



قدم به قدم، همراه دانشجو...

WWW.GhadamYar.Com

جامع ترین و به روزترین پرتال دانشجویی کشور (پرتال دانش)
با ارائه خدمات رایگان، تحصیلی، آموزشی، رفاهی، شغلی و...
برای دانشجویان

- ۱) راهنمای ارتقاء تحصیلی. (کاردانی به کارشناسی، کارشناسی به ارشد و ارشد به دکتری)
- ۲) ارائه سوالات کنکور مقاطع مختلف سالهای گذشته، همراه پاسخ، به صورت رایگان
- ۳) معرفی روش های مقاله و پایان نامه نویسی و ارائه پکیج های آموزشی مربوطه
- ۴) معرفی منابع و کتب مرتبط با کنکورهای تحصیلی (کاردانی تا دکتری)
- ۵) معرفی آموزشگاه ها و مراکز مشاوره تحصیلی معتبر
- ۶) ارائه جزوات و منابع رایگان مرتبط با رشته های تحصیلی
- ۷) راهنمای آزمون های حقوقی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- ۸) راهنمای آزمون های نظام مهندسی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- ۹) آخرین اخبار دانشجویی، در همه مقاطع، از خبرگزاری های پربازدید
- ۱۰) معرفی مراکز ورزشی، تفریحی و فروشگاه های دارای تخفیف دانشجویی
- ۱۱) معرفی همایش ها، کنفرانس ها و نمایشگاه های ویژه دانشجویی
- ۱۲) ارائه اطلاعات مربوط به بورسیه و تحصیل در خارج و معرفی شرکت های معتبر مربوطه
- ۱۳) معرفی مسائل و قوانین مربوط به سربازی، معافیت تحصیلی و امریه
- ۱۴) ارائه خدمات خاص ویژه دانشجویان خارجی
- ۱۵) معرفی انواع بیمه های دانشجویی دارای تخفیف
- ۱۶) صفحه ویژه نقل و انتقالات دانشجویی
- ۱۷) صفحه ویژه ارائه شغل های پاره وقت، اخبار استخدامی
- ۱۸) معرفی خوابگاه های دانشجویی معتبر
- ۱۹) دانلود رایگان نرم افزار و اپلیکیشن های تخصصی و...
- ۲۰) ارائه راهکارهای کارآفرینی، استارت آپ و...
- ۲۱) معرفی مراکز تایپ، ترجمه، پرینت، صحافی و ... به صورت آنلاین
- ۲۲) راهنمای خرید آنلاین ارزی و معرفی شرکت های مطرح
- ۲۳)



WWW.GhadamYar.Ir

WWW.PortaleDanesh.com

WWW.GhadamYar.Org

۰۹۱۲ ۳۰ ۹۰ ۱۰۸

باما همراه باشید...

۰۹۱۲ ۰۹ ۰۳ ۸۰۱

www.GhadamYar.com

1- قاضی مجتهد، قانون حاکم بر پرونده را خلاف شرع می‌داند:

- 1) اقدام به صدور قرار عدم استماع دعوی و ارسال پرونده به شعبه دیگر از طریق رئیس حوزه قضایی می‌نماید.
- 2) اقدام به صدور قرار امتناع از رسیدگی و ارسال پرونده به شعبه دیگر از طریق رئیس حوزه قضایی می‌نماید.
- 3) اقدام به رسیدگی طبق اجتهاد خود می‌نماید، اما رای او قابل اعتراض می‌باشد.
- 4) اقدام به صدور قرار رد دادخواست و بازگرداندن پرونده به رئیس حوزه قضایی می‌نماید.

2- اگر سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده باشد (شهرستان دماوند) و ذینفع نیز مقیم ایران باشد (شهرستان سمنان) رسیدگی به دعاوی راجع به سند مزبور در صلاحیت کدام مرجع است؟

- 1) دادگاه عمومی شهرستان سمنان (2) دادگاه عمومی شهرستان دماوند (3) دادگاه عمومی محل اقامتگاه خوانده (4) هر یک از دادگاه های عمومی ایران
- 3- زن و مردی در قم ازدواج می‌کنند و در حال حاضر مقیم شهرستان بجنورد می‌باشند. زن برای مطالبه مهریه خود که 100 عدد سکه طلا می‌باشد به کدام دادگاه می‌تواند رجوع کند؟

- 1) دادگاه عمومی بجنورد (2) دادگاه عمومی قم یا بجنورد (3) دادگاه خانواده بجنورد (4) دادگاه خانواده قم یا بجنورد
- 4- اگر دعوی در دادگاه عمومی تهران در حال رسیدگی باشد و در جریان رسیدگی به موجب قانون، رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه انقلاب کرج قرار گیرد:

- 1) از آنجا که دادگاه عمومی صلاحیت عام دارد در دادگاه عمومی تهران رسیدگی ادامه پیدا می‌کند.
- 2) به دلیل تغییر صلاحیت ذاتی و محلی رسیدگی در دادگاه انقلاب کرج ادامه پیدا می‌کند.
- 3) به دلیل تغییر صلاحیت ذاتی رسیدگی در دادگاه انقلاب کرج ادامه پیدا می‌کند.
- 4) فقط در صورت تصریح قانون رسیدگی در دادگاه انقلاب کرج ادامه پیدا می‌کند.

5- هیئت نظارت اداره ثبت نسبت به پرونده‌ای خود را صالح نمی‌داند و دادگاه عمومی را صالح می‌داند، چه اقدامی باید صورت دهد؟

- 1) با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را برای تعیین مرجع صالح به دیوان عالی کشور می‌فرستند.
- 2) بدون صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را برای تعیین مرجع صالح به دیوان عالی کشور می‌فرستند.
- 3) از رسیدگی خودداری و پرونده را بایگانی می‌کنند.
- 4) پرونده را به مرجع صالح ارجاع می‌دهند.

6- دعوی تقسیم ترکه متوفی در صلاحیت دادگاه.....می‌باشد.

- 1) محل فوت (2) آخرین اقامتگاه متوفی (3) اقامتگاه خوانده یا خواندگان (4) اقامتگاه وراث

7- قواعد آیین دادرسی مدنی:

- 1) علی الاصول امری اند.
- 2) علی الاصول تکمیلی اند.
- 3) فقط در حیطة صلاحیت، تکمیلی اند.
- 4) تکمیلی اند جز در خصوص صلاحیت ذاتی و سازمان قضایی.

8- مطالبه اجرت المثل غیر منقول و مطالبه اجرت المسمی آن به ترتیب.....می‌باشد.

- 1) منقول، غیر منقول (2) غیر منقول، منقول (3) منقول، منقول (4) غیر منقول، غیر منقول

9- دعوی الزام به تنظیم سند رسمی یک دستگاه آپارتمان در صلاحیت:

- 1) دادگاه عمومی محل وقوع ملک است.
- 2) دادگاه عمومی محل اقامت خوانده است.
- 3) دادگاه عمومی محل وقوع ملک است مگر آنکه طرفین به نحو دیگری تراضی نمایند.
- 4) دادگاه عمومی محل اقامت خوانده یا محل وقوع ملک است.

10- اگر موکل در زندان باشد:

- 1) تصدیق اثر انگشت او با رئیس یا معاون زندان است.
- 2) تصدیق اثر انگشت او با وکیل است.
- 3) تصدیق اثر انگشت او با وکیل یا رئیس یا معاون زندان است.
- 4) تصدیق اثر انگشت او علاوه بر وکیل با رئیس یا معاون زندان است.

11- اگر وکیل بعد از آنکه وقت دادرسی به او ابلاغ گردید استعفا دهد، این استعفا:

- 1) موجب تجدید وقت دادرسی است.
- 2) موجب توقف دادرسی به مدت نهایتاً یک ماه است.
- 3) موجب تجدید وقت دادرسی نیست.
- 4) گان لم یکن است.

12- وکالت در.....نیاز به تصریح در وکالت نامه ندارد.

- 1) استرداد سند
- 2) دعوی خسارت
- 3) بیان ایرادات
- 4) همه گزینه‌ها

13- اگر سازمان دولتی از پرداخت مبلغ قرارداد خرید ماشین آلات به شرکت سازنده امتناع نماید شرکت مزبور برای مطالبه مبلغ باید:

- 1) به دادگاه عمومی رجوع کند.
- 2) به دیوان عدالت اداری رجوع کند.
- 3) بعد از اثبات اصل استحقاق خود در دیوان عدالت اداری به دادگاه عمومی رجوع کند.
- 4) به هیئت تخلفات اداری رجوع کند.

14- در صورت عزل وکیل توسط موکل:

- 1) اگر وکیل از عزل خود مطلع نباشد و تجدید نظر خواهی کند، تجدید نظر خواهی او مؤثر در حق موکل است.
- 2) اگر عزل در صورت تجدید نظر خواهی صورت گیرد، تجدید نظر خواهی وکیل بعد از عزل مؤثر در حق موکل خواهد بود.
- 3) دادخواست تجدید نظر وکیل معزول پذیرفته شده اما بقیه اقدامات باید توسط موکل انجام شود.
- 4) دادخواست تجدید نظر وکیل معزول به هیچ وجه درباره موکل مؤثر نیست.

15- تخلفات انتظامی قضات از درجهبه بالا قابل تجدید نظر در..... می‌باشد.

- 1) 3، هیئت تجدید نظر انتظامی قضات
- 2) 3، محکمه عالی انتظامی قضات
- 3) 4، هیئت تجدید نظر انتظامی قضات
- 4) 4، محکمه عالی انتظامی قضات

16- دادگاه عمومی شهرستان نیشابور به صلاحیت دادگاه عمومی شهرستان مشهد قرار عدم صلاحیت صادر می‌کند و دادگاه عمومی

شهرستان مشهد نیز به صلاحیت دادگاه انقلاب مشهد قرار عدم صلاحیت صادر می‌کند. بدین صورت:

- 1) حل اختلاف با دادگاه تجدید نظر استان خراسان رضوی است.
- 2) حل اختلاف با دیوان عالی کشور است.
- 3) دادگاه انقلاب مشهد ملزم به رسیدگی است.
- 4) اختلاف در صلاحیت محقق نشده است.

17- تاسیس دادگاههای عمومی در هر حوزه قضایی و تعیین قلمرو محلی و تعداد شعب دادگاههای مزبور به تشخیص چه مقامی تعیین

می‌گردد؟

- 1) رئیس کل دادگستری استان
- 2) رئیس قوه قضائیه
- 3) رئیس کل دادگستری شهرستان
- 4) دادستان کل کشور

18- وکیلی که حق اقدام در مرحله فرجام را دارد پس از صدور رای استعفا و از رویت رای امتناع می‌نماید. در این صورت دادگاه رای را

به.....ابلاغ و ابتدای مهلت فرجام را از تاریخ ابلاغ به محسوب می‌نماید.

- 1) موکل، موکل
- 2) موکل، وکیل
- 3) وکیل، موکل
- 4) وکیل، وکیل

19- ابتلا به مرض مانع حرکت:

- 1) اگر متوجه خواننده یا وکیل او باشد از موجبات تجدید جلسه دادرسی است.
- 2) اگر متوجه یکی از وکلای اصحاب دعوی باشد از موجبات تجدید جلسه دادرسی است
- 3) اگر متوجه یکی از وکلای اصحاب دعوی یا نمایندگان حقوقی باشد از موجبات تجدید جلسه دادرسی است.
- 4) نسبت به وکیلی که حق توکیل دارد، به هیچ وجه از موجبات تجدید جلسه دادرسی نیست.

20- اگر دادنامه هم به وکیل و هم به موکل ابلاغ گردد ابتدای مهلت تجدید نظر خواهی:

- 1) تاریخ ابلاغ به وکیل
- 2) زودترین تاریخ ابلاغ است.
- 3) در صورتی که وکیل حق تجدید نظر داشته باشد تاریخ ابلاغ به وکیل است. 4) در صورتی که وکیل حق تجدید نظر داشته باشد زودترین تاریخ ابلاغ است.

21- در صورت عدم تنظیم دادخواست روی برگه های چاپی مخصوص ...

- 1) قرار رد فوری دادخواست توسط مدیر دفتر صادر میگردد که قرار مزبور ظرف 10 روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض است.
- 2) قرار رد فوری دادخواست توسط مدیر دفتر صادر میگردد که قرار مزبور قابل اعتراض نیست.
- 3) اخطار رفع نقص توسط مدیر دفتر صادر و ده روز به دادخواست دهنده مهلت رفع نقص داده می شود.
- 4) اخطار استحضاری جهت رفع نقص توسط مدیر دفتر به دادخواست دهنده داده می شود.

22- اگر مدیر دفتر اقدام به صدور قرار رد دادخواست نماید:

- 1) این قرار ظرف 20 روز از ابلاغ قابل تجدید نظر است.
 - 2) این قرار ظرف 10 روز از ابلاغ قابل تجدید نظر است.
 - 3) این قرار ظرف 20 روز از ابلاغ قابل اعتراض و نتیجه اعتراض قابل تجدیدنظر است.
 - 4) این قرار ظرف 10 روز از ابلاغ قابل اعتراض و نتیجه اعتراض قطعی است.
- ## 23- وکیل دادگستری به وکالت نامه خود به میزان قانونی تمبر مالیاتی الصاق نموده است اما روی وکالت نامه او گواهی مبنی بر پرداخت معادل نصف مالیات پرداختی، به صندوق حمایت وکلا و کارگشایان درج نشده است (موضوع ماده 15 آیین نامه تعرفه حق الوکاله) در این صورت:

- 1) اخطار رفع نقص صادر و 10 روز مهلت رفع نقص داده می شود.
- 2) اخطار رفع نقص صادر نمی شود، بلکه پرونده کامل است و به جریان می افتد.
- 3) قرار رد فوری دادخواست توسط مدیر دفتر صادر می گردد.
- 4) قرار رد دادخواست توسط قاضی دادگاه صادر می گردد.

24- تعداد نسخ دادخواست و برگ های پیوست آن:

- 1) به تعداد خواندگان است جز مدرک مثبت سمت.
- 2) به تعداد اصحاب دعوی به علاوه یک نسخه است جز مدرک مثبت سمت.
- 3) به تعداد اصحاب دعوی به علاوه یک نسخه است.
- 4) هیچکدام

25- اگر در دعوای مطالبه اجور معوقه، خواسته 100 میلیون تومان درج شده باشد:

- 1) اعتراض به بهای خواسته ممکن نیست مگر اینکه در قابلیت تجدیدنظر رای صادره موثر باشد.
- 2) اعتراض به بهای خواسته ممکن نیست مگر آنکه تا جلسه اول بیان گردد.
- 3) اعتراض به بهای خواسته ممکن نیست.
- 4) گزینه الف و ب صحیح است.

26- در صورت تهیه تصویر یک سند در خارج از کشور:

- 1) گواهی نمودن مطابقت آن با اصل می تواند در یکی از سفارتخانه ها یا کنسولگری مربوطه انجام شود.
- 2) گواهی نمودن مطابقت آن با اصل باید در یکی از سفارتخانه ها یا کنسولگری مربوطه انجام شود.
- 3) وکیل دادگستری می تواند در دعوایی که وکالتاً در آن دعوی حضور دارد، مطابقت آن را با اصل گواهی نماید.
- 4) گزینه الف و ج صحیح است.

27- در صورت امتناع خوانده از دریافت اوراق قضایی در محلی غیر از آدرس اعلامی:

- 1) اخطار تعیین وقت دادخواست و ضمائهم در محل الصاق می گردد.

2) اخطار تعیین وقت در محل الصاق و دادخواست و ضمائم به دفتر دادگاه اعاده می گردد.

3) کلیه اوراق به دفتر دادگاه اعاده می گردد چنین ابلاغی ابلاغ قانونی محسوب می گردد.

4) کلیه اوراق باید در آدرس به او ابلاغ گردد.

28- اگر زن بدون اجازه شوهر و به طور غیرقانونی منزل شوهر را ترک نموده باشد و در مکان دیگری سکونت داشته باشد، ابلاغ اوراق

قضایی به او:

1) باید همچنان در منزل شوهر به عمل آید. 2) می تواند در منزل شوهر یا محل سکونت خود زن به عمل آید.

3) باید در منزل خود زن به عمل آید. 4) بسته به نظر دادگاه ممکن است در منزل شوهر یا منزل خود زن به عمل آید.

29- اگر اوراق قضایی در آدرسی غیر از آدرس تعیین شده به بستگان مخاطب ابلاغ گردد:

1) این ابلاغ، ابلاغ قانونی است. 2) در صورت عدم دسترسی به شخص مخاطب، این ابلاغ، ابلاغ قانونی است.

3) این ابلاغ، باطل است. 4) این ابلاغ، ابلاغ واقعی است.

30- اگر بستگان مخاطب از قبول اوراق در آدرس تعیینی استنکاف ورزند:

1) اوراق در محل الصاق و ابلاغ صورت گرفته، ابلاغ قانونی است.

2) اوراق در محل الصاق و ابلاغ صورت گرفته، ابلاغ واقعی است.

3) برگ اخطاریه در محل الصاق و سایر اوراق اعاده می گردد و ابلاغ صورت گرفته، ابلاغ قانونی است.

4) اوراق اعاده می گردد و ابلاغ صورت نگرفته است.

31- در دعاوی راجع به شهرداری تهران، اوراق اخطاریه باید به ابلاغ گردد.

1) رئیس دفتر شهرداری تهران 2) اداره حقوق شهرداری تهران 3) شهردار تهران 4) کارگزینی شهرداری تهران

32- اگر شرکت خصوصی در آدرس تعیین شده در دادخواست که مطابق آخرین آدرس اعلامی به اداره ثبت شرکت هاست، شناخته نشود:

1) ابلاغ از طریق نشر آگهی صورت می گیرد. 2) ابلاغ صورت گرفته، ابلاغ صحیح و قانونی تلقی می گردد.

3) اخطار رفع نقص صادر و خواهان ملزم به ارائه آدرس جدید است. 4) ابلاغ صورت گرفته صحیح و واقعی تلقی می گردد.

33- در دعاوی علیه یک شرکت منحل شده که دارای مدیر تصفیه نمی باشد، ابلاغ اوراق باید به

1) آخرین رئیس هیات مدیره به عمل آید. 2) آخرین مدیر عامل به عمل آید.

3) آخرین اعضاء هیات مدیره به عمل آید. 4) به اداره ثبت شرکتها به عمل آید.

34- در دعوی علیه صد نفر از ساکنین یک واحد مسکونی به خواسته خلع ید از یک باب آپارتمان به دلیل غصبی بودن زمین آن:

1) دادخواست و ضمائم از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار ابلاغ می گردد.

2) دادخواست و ضمائم از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار ابلاغ می گردد و یک نسخه از آن به شخص یا اشخاصی که خواهان آنها را

معارض معرفی کرده است نیز ابلاغ می گردد.

3) دادخواست و ضمائم به آدرس اعلامی خواندگان ابلاغ می گردد.

4) دادخواست و ضمائم از طریق نشر آگهی در روزنامه محلی ابلاغ می گردد.

35- ابلاغ اوراق در محل کار:

1) از طریق رئیس کارمند به عمل می آید.

2) از طریق دبیرخانه به عمل می آید.

3) مامور ابلاغ باید اوراق را به شخص مخاطب تحویل دهد.

4) از طریق اداره حقوقی به عمل می آید.

36- آثار دادخواست از تاریخ جاری می گردد.

1) تقدیم دادخواست به دفتر کل

2) ارجاع دادخواست به دفتر شعبه مربوطه

3) تقدیم دادخواست به دفتر کل و در صورت ناقص بودن از تاریخ رفع نقص

4) ارجاع دادخواست به دفتر شعبه مربوطه و در صورت ناقص بودن از تاریخ رفع نقص

37- تقدیم دادخواست شفاهی:

1) در حقوق ایران پذیرفته نیست. 2) در نقاطی که وزارت دادگستری تعیین می کند پذیرفته است.

3) در نقاط تشکیل دادگاههای سیار پذیرفته است. 4) در صورت مجلس نوشته شده و به امضاء خواهان می رسد.

38- در صورت ابلاغ دادخواست و ضمائم آن به خواننده از طریق نشر آگهی، فاصله بین ابلاغ تا جلسه باید حداقل..... باشد.

1) 5 روز 2) 7 روز 3) 10 روز 4) 30 روز

39- اگر ابلاغ تعیین وقت به خواننده از طریق ابلاغ اوراق به بستگان مخاطب شده باشد، فاصله بین ابلاغ تا جلسه دادرسی باید حداقل..... باشد.

1) 5 روز 2) 7 روز 3) 10 روز 4) 30 روز

40- در دعاوی راجع به منافع حقوقی که باید مادام العمر تأدیه شود بهای خواسته مساوی است با:

1) حاصل جمع تمام اقساط 2) حاصل جمع اقساط ده ساله 3) حاصل جمع اقساط ده ماهه 4) حاصل جمع منافع یک ساله

41- زمان طرح ایرادات از سوی خواننده:

1) تا جلسه اول دادرسی و قبل از ورود در ماهیت است.

2) تا جلسه اول دادرسی است که می تواند قبل از ورود در ماهیت یا ضمن پاسخ به ماهیت باشد.

3) تا پایان جلسه اول دادرسی و قبل از ورود در ماهیت است.

4) تا پایان جلسه اول دادرسی که می تواند قبل از ورود در ماهیت یا ضمن پاسخ به ماهیت باشد.

42- اعتبار امر مختومه:

1) ناظر به احکام و قرارهای قاطع دعوی می باشد. 2) ناظر به قسمت های مختلف رأی اعم از مقدمه، جهات موجهه و منطوق رأی می باشد.

3) ناظر به احکام صادره از مراجع دادگستری است. 4) ناظر به احکام صادره در دعاوی قائم به شخص می باشد.

43- عدم اهلیت خواننده دعوی:

1) موجب صدور قرار رد دعوی است. 2) در صورت حاضر نشدن ولی در دادگاه قرار عدم استماع دعوی صادر می گردد.

3) مانع رسیدگی به پرونده نیست. 4) از موارد الزام دادگاه به تعیین وکیل تسخیری است.

44- در صورت وارد بودن ایراد رد دادرسی:

1) قرار امتناع از رسیدگی که از قرارهای قاطع دعوی است صادر می گردد. 2) قرار امتناع از رسیدگی که از قرارهای شبه قاطع است صادر می گردد.

3) قرار عدم استماع دعوی که از قرارهای قاطع دعوی است صادر می گردد. 4) قرار عدم استماع دعوی که از قرارهای شبه قاطع است صادر می گردد.

45- در کدام مورد اصیل می تواند از شخصی غیر از وکیل دادگستری برای حضور در محکمه استفاده نماید؟

1) فرستادن اصول مستندات در دادگاه و ارائه در جلسه دادرسی 2) استرداد سندی که اصیل ارائه داده است.

3) دریافت تصویر از اوراق و صورت مجلس های موجود در پرونده 4) نسبت به امور مطروحه در دیوان عدالت اداری

46- صرف نظر کردن کلی خواهان از دعوی:

1) اگر با رضایت خواننده باشد موجب صدور قرار رد دعوی می گردد.

2) در هر صورت موجب صدور قرار سقوط دعوی می گردد.

3) در هر صورت موجب صدور قرار رد دعوی می گردد.

4) در مواردی موجب صدور قرار رد دعوی و در مواردی موجب صدور قرار سقوط دعوی می گردد.

47- در صورت حبس قانونی یکی از اصحاب دعوی:

1) دادرسی تا معرفی وکیل از جانب شخص مذکور، متوقف می گردد.

2) دادرسی تا معرفی وکیل از جانب شخص مذکور، بنابر نظر دادگاه متوقف می گردد.

3) دادگاه مهلت جهت تعیین وکیل می دهد.

4) دادگاه به رسیدگی ادامه می دهد.

48- اگر شهود موجب اخلال در نظم دادرسی گردند:

1) دادگاه می تواند حکم حبس آنها را تا 24 ساعت صادر کند.

2) دادگاه با کسب کیفرخواست تنظیمی توسط دادستان، حکم حبس آنها را تا 24 ساعت صادر می کند.

3) دادگاه قرار بازداشت آنها را تا 24 ساعت صادر می کند.

4) دادگاه فقط می تواند با ذکر اختلال، دستور اخراج فرد مزبور را صادر کند.

49- تأخیر جلسه رسیدگی:

1) منوط است به رضایت اصحاب دعوی و اراده دادگاه.

2) منوط است به رضایت اصحاب دعوی که در این خصوص دادگاه ملزم به تأخیر جلسه است.

3) منوط است به درخواست یکی از طرفین و اراده دادگاه.

4) منوط است به درخواست یکی از طرفین دعوا.

50- قرار تامین خواسته:

1) قبول آن از طرف خواننده و رد آن از طرف خواهان قابل اعتراض است.

2) قبول آن از طرف خواننده به طور تبعی قابل تجدیدنظر است.

3) قبول آن از طرف خواننده به طور مستقل قابل تجدیدنظر است.

4) قابل تجدید نظر نیست.

51- موضوع قرار تامین خواسته:

1) با موضوع دعوی اصل یکی است.

2) از امور فرعی و تبعی موضوع دعوی اصلی می باشد.

3) با موضوع دعوی اصلی رابطه عموم و خصوص من وجه دارد.

4) با موضوع دعوی اصلی رابطه عموم و خصوص مطلق دارد.

52- اگر درخواست صدور قرار تامین خواسته قبل از تقدیم دادخواست در خصوص دعوی اصلی مطرح شده باشد خواهان چند روز مهلت

اقامه دعوی اصلی را دارد؟

1) 10 روز از تاریخ ابلاغ تأمین خواسته

2) 10 روز از تاریخ صدور قرار تأمین خواسته

3) 20 روز از تاریخ ابلاغ تأمین خواسته

4) 20 روز از تاریخ صدور قرار تأمین خواسته

53- اگر خواسته دعوایی الزام به انجام تعهدات قراردادی ناشی از معامله پیمانکاری دولتی باشد، صدور قرار تامین خواسته در خصوص آن:

1) منوط است به تودیع خسارت احتمالی

2) بدون تودیع خسارت احتمالی به عمل می آید.

3) منتفی است.

4) منوط است به تودیع خسارت احتمالی و تأیید رئیس حوزه قضایی

54- متقاضی قرار تامین خواسته که تامین خواسته به نفع او صادر شده است از اجرای آن خودداری می کند. او پس از مدتی در دعوی

اصلی نیز محکوم به بی حقی می گردد:

1) خواننده می تواند ظرف 20 روز از ابلاغ حکم قطعی خسارت ناشی از قرار تامین خواسته را مطالبه کند.

2) خواننده می تواند ظرف یک ماه از ابلاغ حکم قطعی خسارت ناشی از قرار تامین خواسته را مطالبه کند.

3) خواننده می تواند ظرف 20 روز از صدور حکم قطعی خسارت ناشی از قرار تامین خواسته را مطالبه کند.

4) به خواننده خسارتی تعلق نمی گیرد.

55- برای صدور قرار تامین خواسته:

- 1) جلسه رسیدگی عادی تعیین و طرفین به جلسه دعوت می شوند. (2) جلسه رسیدگی خارج از نوبت تعیین و طرفین به جلسه دعوت می شوند.
- 3) فقط خواهان دعوت و با حضور او قرار صادر می گردد. (4) طرفین دعوت نمی شوند.

56- اگر خواهان دعوایی مطالبه قرار تامین خواسته کند و سپس محکوم به بی حقی گردد خواننده خسارت ناشی از اجرای قرار تامین خواسته را که به او وارد شده است مطالبه نماید، مرجع رسیدگی به این درخواست:

- 1) همان دادگاه صادرکننده حکم راجع به اصل دعوی است که رای آن حسب مورد قابل واخواهی یا تجدیدنظر خواهی است.
- 2) دادگاه تجدیدنظر است که رای آن قطعی است.
- 3) شعبه هم عرض دادگاه صادرکننده حکم راجع به اصل دعوی است که رای آن قابل تجدیدنظر است.
- 4) همان دادگاه صادرکننده حکم راجع به اصل دعوی است که رای آن قطعی است.

57- ایراد دعوای واهی:

- 1) در درخواست های مربوط به امور حسبی راه ندارد. (2) در دعوای متقابل نیز راه دارد.
- 3) در دعاوی که مستند آنها سند می باشد مسموع نیست. (4) همه گزینه ها صحیح می باشد.

58- صدور قرار تامین خواسته نسبت به طلب مؤجل:

- 1) اگر مستند به سند رسمی یا در معرض تفریط باشد بدون تودیع خسارت احتمالی، ممکن است.
- 2) اگر مستند به سند رسمی و در معرض تفریط باشد همراه با تودیع خسارت احتمالی، ممکن است.
- 3) اگر مستند به سند تجاری و در معرض تفریط باشد بدون تودیع خسارت احتمالی، ممکن است.
- 4) هیچکدام

59- خواننده دعوایی مطالبه دویست میلیون ریال وجه یک فقره چک می باشد. در صورتی که خواهان بخواهد وجه یک فقره چک دیگر از همان خواننده به مبلغ صد میلیون ریال را نیز مطالبه نماید:

- 1) می تواند تا پایان جلسه اول دادرسی از افزایش خواسته استفاده نماید. (2) می تواند تا جلسه اول دادرسی از افزایش خواسته استفاده نماید.
- 3) باید دادخواست جدید بدهد. (4) می تواند تا پایان جلسه اول دادرسی از تغییر خواسته استفاده نماید.

60- کاهش خواسته:

- 1) تا ختم رسیدگی بدوی مجاز است. (2) در تمام مراحل دادرسی تا مقطع ختم رسیدگی مجاز است.
- 3) باید در جلسه اول دادرسی به عمل آید. (4) فقط در مرحله بدوی تا جلسه اول دادرسی مجاز است.

61- خواهان ورود ثالث باید دادخواست ورود ثالث را به تعداد تنظیم نماید.

- 1) خوانندگان به علاوه یک نسخه
- 2) خوانندگان دعوی اصلی به علاوه یک نسخه
- 3) اصحاب دعوی به علاوه یک نسخه
- 4) اصحاب دعوی اصلی به علاوه یک نسخه

62- مهلت ورود ثالث:

- 1) تا پایان جلسه اول دادرسی بدوی است. (2) تا پایان جلسه اول دادرسی در مراحل بدوی، واخواهی و تجدیدنظر است.
- 3) تا ختم دادرسی بدوی است. (4) تا ختم دادرسی در مراحل بدوی، تجدیدنظر و واخواهی است.

63- اگر ورود ثالث تبعی به منظور تبانی و تاخیر در رسیدگی طرح گردد:

- 1) دادگاه دعوی ورود ثالث را از دعوی اصلی تفکیک نموده و به آن جداگانه رسیدگی می نماید.
- 2) دادگاه دعوی ورود ثالث را از دعوی اصلی تفکیک نموده و در صورت داشتن صلاحیت به آن جداگانه رسیدگی می کند.

3) دادگاه نسبت به دعوی ورود ثالث قرار رد دعوی صادر می کند.

4) دادگاه نسبت به دعوی ورود ثالث و دعوی اصلی قرار رد دعوی صادر می کند.

64- جلب ثالث در مرحله واخواهی:

1) اگر از ناحیه واخواه باشد باید همراه با تقدیم دادخواست واخواهی به عمل آید.

2) باید همراه با تقدیم دادخواست واخواهی به عمل آید.

3) در مرحله واخواهی جلب ثالث امکان پذیر نیست.

4) فقط واخواه می تواند جلب ثالث نماید که باید جلب ثالث را همراه با تقدیم دادخواست واخواهی به عمل آورد.

65- طرح دعوی متقابل:

1) در مرحله بدوی، واخواهی و تجدیدنظر تا قبل از ختم دادرسی امکان پذیر است.

2) در مرحله بدوی، واخواهی و تجدیدنظر تا پایان جلسه اول امکان پذیر است.

3) در مرحله بدوی تا قبل از ختم دادرسی امکان پذیر است.

4) در مرحله بدوی تا پایان جلسه اول امکان پذیر است.

66- مجلوب ثالث:

1) می تواند دعوی متقابل طرح نماید.

2) حق طرح دعوی متقابل ندارد.

3) فقط علیه خواهان دعوی اصلی می تواند دعوی متقابل طرح نماید.

4) فقط علیه خوانده دعوی اصلی می تواند دعوی متقابل طرح نماید.

67- جلب ثالث در مرحله تجدیدنظر:

1) در صورتی ممکن است که جهات جلب ثالث در مرحله بدوی ممکن نباشد و دادخواست جلب ثالث به صورت توأمان با دادخواست تجدیدنظرخواهی تقدیم گردد.

2) در صورتی ممکن است که جهات جلب ثالث در مرحله بدوی ممکن نباشد و دادخواست جلب ثالث ظرف 3 روز از اولین جلسه تجدیدنظرخواهی تقدیم گردد.

3) در صورتی ممکن است که جلب ثالث در مرحله بدوی رد شده باشد و دادخواست جلب ثالث به صورت توأمان با دادخواست تجدیدنظرخواهی تقدیم گردد.

4) هیچکدام

68- دعوی متقابل:

1) در بقاء و زوال تابع دعوی اصلی است.

2) در بقاء و زوال مستقل از دعوی اصلی است.

3) در بقاء تابع دعوی اصلی و در زوال مستقل از آن است.

4) در زوال تابع دعوی اصلی و در بقاء مستقل از آن است.

69- اگر در دعوی اتباع بیگانه، تبعه بیگانه از دادن تأمین در مهلت مقرر امتناع نماید:

1) قرار رد دعوی صادر می گردد.

2) قرار ابطال دادخواست صادر می گردد.

3) قرار رد دادخواست صادر می گردد.

4) قرار سقوط دعوی صادر می گردد.

70- در کدام مورد اتباع بیگانه از سپردن تأمین معاف نیستند؟

1) دعوی مطالبه مبلغ یک فقره سفته از ضامن صادرکننده

2) دعوی استرداد سند مالکیت

3) دعوی متقابل

4) دعوی علیه ورشکسته

71- تصمیم گیری در خصوص درخواست تأمین دلیل احضار خوانده انجام می گیرد. اجرای قرار تأمین دلیل احضار خوانده انجام می گیرد.

4) بدون ، بدون

3) با ، با

2) بدون، با

1) با، بدون

72- تأمین دلیل:

- (1) مستلزم اقامه دعوی در شورای حل اختلاف محل وقوع دلیل است.
(2) می تواند کتباً یا شفهاً به عمل آید.
(3) قابل ارجاع به کارمندان دفتری است.
(4) همه گزینه‌ها

73- اگر شخصی راجع به تصرف عدوانی اقامه دعوی نماید:

- (1) نمی تواند نسبت به مالکیت اقامه دعوی کند و در صورت طرح دعوی، قرار عدم استماع دعوی صادر می گردد.
(2) نمی تواند نسبت به مالکیت اقامه دعوی کند و در صورت طرح دعوی، قرار رد دعوی صادر می گردد.
(3) نمی تواند نسبت به مالکیت اقامه دعوی کند و در صورت طرح دعوی، قرار رد دادخواست صادر می گردد.
(4) می تواند نسبت به مالکیت اقامه دعوی کند.

74- رسیدگی به دعاوی تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت

- (1) تابع تشریفات آیین دادرسی است.
(2) فقط رسیدگی به دعاوی تصرف عدوانی، تابع تشریفات آیین دادرسی است.
(3) تابع تشریفات آیین دادرسی نبوده و خارج از نوبت به عمل می آید.
(4) خارج از نوبت به عمل می آید.

75- اگر در ملک مورد تصرف عدوانی، متصرف عدوانی احداث بنا نماید:

- (1) بنای مزبور تا قطعیت حکم مبنی بر رفع تصرف عدوانی باقی می ماند.
(2) بنای مزبور تا یک ماه از تاریخ اجرای حکم برای طرح دادخواست مالکیت از جانب متصرف عدوانی باقی می ماند.
(3) بنای مزبور تا یک ماه از تاریخ صدور حکم برای طرح دادخواست مالکیت از جانب متصرف عدوانی باقی می ماند.
(4) احکام مبنی بر رفع تصرف عدوانی فوراً اجرا می گردند و بنای مزبور قلع می گردد.

76- کدام گزینه صحیح است؟

- (1) مستأجر می تواند هم اصالتاً و هم به قائم مقامی مالک دعوی تصرف عدوانی نماید.
(2) مستأجر نمی تواند دعوی تصرف عدوانی طرح بنماید.
(3) مستأجر فقط می تواند اصالتاً دعوی تصرف عدوانی طرح بنماید.
(4) مستأجر فقط می تواند به قائم مقامی مالک دعوی تصرف عدوانی طرح بنماید.

77- دعوی مزاحمت نسبت به تصرفات متصرف یک ملک:

- (1) غیرمالی و غیرمنقول است. (2) مالی و منقول است.
(3) مالی و غیرمنقول است.
(4) غیرمالی و منقول است.

78- دستور موقت صادره در دعاوی تصرف عدوانی:

- (1) با صدور رأی بدوی به رد دعوی مرتفع می گردد.
(2) با صدور رأی قطعی به رد دعوی مرتفع می گردد.
(3) با صدور رأی نهایی به رد دعوی مرتفع می گردد.
(4) در دعاوی تصرف عدوانی، دستور موقت قابل صدور نیست.

79- مرجع ابلاغ اظهارنامه کدامیک است؟

- (1) دفاتر اسناد رسمی یا دفاتر دادگاهها
(2) ادارات ثبت اسناد یا دفاتر دادگاهها
(3) فقط دفاتر دادگاهها
(4) ادارات ثبت، دفاتر اسناد رسمی یا دفاتر دادگاهها

80- اجراء آراء صادره مبنی بر رفع تصرف عدوانی:

- (1) مستلزم قطعیت و صدور و ابلاغ اجرائیه است.
(2) مستلزم قطعیت نیست اما مستلزم صدور و ابلاغ اجرائیه است.
(3) مستلزم قطعیت و صدور و ابلاغ اجرائیه نیست.
(4) مستلزم قطعیت و صدور اجرائیه است اما مستلزم ابلاغ اجرائیه نیست.

81- سازش در مرحله فرجام:

- (1) فقط در دادگاه ممکن است.
(2) فقط در خارج از دادگاه ممکن است.
(3) مطلقاً ممکن است و در دیوان عالی کشور گزارش اصلاحی صادر می گردد.

4) مطلقاً ممکن است و پرونده به دادگاه صادرکننده رأی فرجام خواسته اعاده می گردد.

82- سازش خارج از دادگاه در صورتی معتبر است که:

1) در قالب سند رسمی باشد و طرفین با حضور در دادگاه به صحت آن اقرار نمایند.

2) در قالب سند رسمی باشد یا طرفین با حضور در دادگاه به صحت آن اقرار نمایند.

3) در قالب سند رسمی باشد.

4) فقط در صورتیکه طرفین در دادگاه حاضر و به صحت آن اقرار شفاهی نمایند.

83- آیا گزارش اصلاحی از اعتبار امر مختومه برخوردار است؟

1) بله (2) مطلقاً خیر (3) اگر در قالب دادنامه صادر شود، بله (4) فقط منطوق آن از اعتبار امر مختومه برخوردار است.

84- درخواست صلح و سازش:

1) ممکن است کتباً یا شفاهاً از یک دادگاه بدوی به عمل آید.

2) باید کتباً از دادگاه بدوی اقامتگاه خواننده به عمل آید.

3) باید کتباً به عمل آید اما می تواند از هر یک از دادگاههای بدوی باشد.

4) ممکن است کتباً یا شفاهاً از دادگاه بدوی اقامتگاه خواننده به عمل آید.

85- گزارش اصلاحی:

1) قابل تجدیدنظر و واخواهی است.

2) قابل واخواهی نیست اما قابل تجدیدنظر می باشد.

3) قابل فسخ یا اعلام بطلان است.

4) ممکن است حسب مورد قابل تجدیدنظر یا فرجام باشد.

86- دلائلی که برای اثبات معاملات به کار می رود، تابع قوانین چه زمانی است؟

1) تابع قوانین زمان انعقاد عقد است مگر در موارد استثنایی

2) تابع قوانین زمان اقامه دعوی

3) مطلقاً تابع قوانین زمان انعقاد عقد

4) علی الاصول تابع قوانین زمان اقامه دعوی

87- اقرار خارج از محکمه:

1) فقط در صورتی معتبر است که مقرر شخصاً در دادگاه حاضر شود و مجدداً اقرار نماید.

2) فقط در صورتی معتبر است که مقرر شخصاً در دادگاه حاضر شود و اقرار خارج از دادگاه را تصدیق نماید.

3) معتبر نیست.

4) با هر دلیلی قابل اثبات است.

88- اقرار وکیل علیه موکل:

1) به شرط تصریح در وکالت نامه پذیرفته است. (2) نسبت به مقدمات دعوی پذیرفته است. (3) مطلقاً پذیرفته نیست. (4) پذیرفته است.

89- اقرار ورشکسته:

1) غیرنافذ و منوط به تنفیذ دیان است.

2) باطل است.

3) فقط در امور غیرمالی ممنوع است.

4) بر ضرر دیان نافذ نیست.

90- آیا در مقرر و مقرله، اهلیت لازم است؟

1) مقرر باید اهلیت استیفاء و مقرله اهلیت تمتع داشته باشد.

2) مقرر و مقرله باید اهلیت استیفاء داشته باشند.

3) کافی است که مقرر و مقرله اهلیت تمتع داشته باشند.

4) مقرر باید اهلیت استیفاء داشته باشد ولی در مقرله هیچ اهلیتی لازم نیست.

91- انکار بعد از اقرار:

1) اگر اقرار در دادگاه به عمل آمده باشد، مسموع نیست.

2) اگر اقرار در دادگاه یا خارج از دادگاه و به طور کتبی به عمل آمده باشد، مسموع نیست.

3) اگر اقرار در دادگاه و به طور کتبی به عمل آمده باشد، مسموع نیست.

4) مسموع نیست.

92- شهادت نامه:

- 1) دارای اعتبار سند عادی است.
 - 2) ممکن است سند عادی یا سند رسمی باشد.
 - 3) سند محسوب نمی گردد و فقط اشعار بر شهادت دارد.
 - 4) سند محسوب نمی گردد و اشعار بر شهادت هم ندارد.
- 93- سر دفتر اسناد رسمی سندی را در حدود صلاحیت خود تنظیم می نماید اما در تنظیم آن مقررات و تشریفات قانونی را رعایت نمی کند:
- 1) این سند، سند رسمی است ولی سر دفتر مرتکب تخلف نشده است.
 - 2) این سند، سند محسوب نمی گردد و معتبر نیست.
 - 3) این سند، به شرط داشتن امضاء یا مهر طرف، سند عادی است.
 - 4) این سند، به شرط داشتن تأیید و تصدیق از سوی سر دفتر، سند عادی است.

94- اگر مقررات راجعه به حق تمبر در اسناد رسمی رعایت نگردد:

- 1) این سند، یک سند عادی تلقی می گردد.
- 2) این سند یک سند رسمی تلقی می گردد اما تاریخ آن در برابر ثالث قابل استناد نیست.
- 3) این سند یک سند رسمی تلقی می گردد و تاریخ آن در برابر ثالث قابل استناد است.
- 4) این نوشته، سند محسوب نمی گردد.

95- کدامیک از اشخاص حقوقی ذیل موظف نیستند که به دستور دادگاه رونوشت اسناد و مدارک را حسب دستور دادگاه برای دعاوی در حال رسیدگی به دادگاه بفرستند؟

- 1) اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان شهریار
- 2) شهرداری اصفهان
- 3) شورای اسلامی شهر نیشابور
- 4) بانک صنعت و معدن

96- خارج نویسی نمودن دفاتر تجاری اصحاب دعوی:

- 1) توسط قاضی یا دادرس علی البدل و در حضور طرفین به عمل می آید.
- 2) توسط قاضی، دادرس علی البدل یا مدیر دفتر در حضور طرفین به عمل می آید.
- 3) توسط مدیر دفتر یا یکی از کارمندان دفتری به عمل می آید.
- 4) توسط شخصی که دادگاه مامور می نماید به عمل می آید.

97- جعل مفادی سند:

- 1) فقط نسبت به اسناد عادی راه دارد.
 - 2) فقط نسبت به اسناد رسمی راه دارد.
 - 3) نسبت به اسناد عادی و رسمی راه دارد.
 - 4) فقط نسبت به اسناد رسمی تنظیمی در دفاتر اسناد رسمی راه دارد.
- 98- اگر امضاء یک سند عادی در یک دعوی مورد انکار واقع گردد ولی اصالت سند اثبات گردد. آیا این سند در دعاوی آتی می تواند

اساس تطبیق قرار گیرد؟

- 1) بله
- 2) امضاء آن نمی تواند، اما مفاد آن می تواند.
- 3) خیر
- 4) فقط امضاء سند که اصالت آن مورد تأیید واقع شده است می تواند اساس تطبیق واقع شود.

99- در صورت استناد خواهان به یک پرونده حقوقی:

- 1) دادگاه اصل پرونده و عنداللزوم تصویر آن را مطالبه می کند.
- 2) دادگاه تصویر پرونده و عنداللزوم اصل آن را مطالبه می کند.
- 3) دادگاه فقط می تواند تصویر پرونده را مطالبه کند.
- 4) دادگاه فقط می تواند اصل پرونده را مطالبه کند.

100- اگر مدعی جعلیت سند، در دعاوی حقوقی، شخصی را به جعل سند متهم کند:

- 1) دادگاه حقوقی فقط به ادعای جعل رسیدگی کرده و رسیدگی به اتهام جاعل در صلاحیت دادگاه جزایی است.
- 2) دادگاه حقوقی فقط به ادعای جعل رسیدگی کرده و اتهام جاعل را جهت رسیدگی مقدماتی به دادسرا ارجاع می دهد.
- 3) دادگاه به ادعای جعل و اتهام جاعل رسیدگی می کند.
- 4) دادگاه هم ادعای جعل و هم اتهام جاعل را به دادگاه جزایی ارجاع می دهد.

101- کدام گزینه صحیح است؟

- 1) فقط خوانده می تواند برای جرح شهود خواهان مهلتی حداکثر 10 روزه مطالبه کند.
- 2) فقط خوانده می تواند برای جرح شهود خواهان مهلتی حداکثر 7 روزه مطالبه کند.
- 3) هر یک از طرفین دعوی می تواند برای جرح شهود طرف مقابل مهلتی حداکثر 10 روزه مطالبه کند.
- 4) هر یک از طرفین دعوی می تواند برای جرح شهود طرف مقابل مهلتی حداکثر 7 روزه مطالبه کند.

102- اثبات اصل نکاح با استفاده از شهادت شهود:

- 1) مانند دعاوی مالی است.
- 2) مانند دعاوی غیرمالی است.
- 3) با شهادت یک مرد و 2 زن نیز امکان پذیر است.
- 4) با شهادت 2 مرد، یک مرد و 2 زن یا 4 زن امکان پذیر است.

103- در امور حقوقی:

- 1) بعد از یک بار احضار گواه و عدم حضور، جلب می گردد.
- 2) بعد از دو بار احضار گواه و عدم حضور جلب می گردد.
- 3) جلب گواه بستگی به صلاحدید قاضی دارد.
- 4) بعد از دو بار احضار گواه، اقدام دیگری در خصوص گواه صورت نمی گیرد.

104- در صورت معذور بودن گواه از حضور در دادگاه:

- 1) دادگاه فقط می تواند از نیابت قضایی استفاده کند.
- 2) ممکن است گواهی گواه در منزل یا محل کار او توسط قاضی رسیدگی کننده به پرونده استماع گردد.
- 3) ممکن است گواهی گواه در منزل یا محل کار او توسط یکی از قضات دادگاه استماع گردد.
- 4) ممکن است گواهی گواه در منزل یا محل کار او توسط قاضی یا مدیر دفتر استماع گردد.

105- رجوع از شهادت:

- 1) مسموع نیست مگر آنکه شاهد خلاف شهادت خود را اثبات نماید.
- 2) مسموع نیست مگر آنکه شخصی که علیه او شهادت داده شده، کذب شهادت را اثبات نماید.
- 3) مسموع نیست مگر آنکه شخصی که له او شهادت داده شده است، کذب شهادت را تصدیق نماید.
- 4) موجب بی اثر شدن شهادت می گردد.

106- شهادت اطفال زیر 15 سال:

- 1) قابل استماع نیست.
- 2) اگر به سن بلوغ رسیده باشند، استماع می گردد.
- 3) فقط در موارد خاص استماع می گردد.
- 4) ممکن است برای مزید اطلاع استماع گردد.

107- پرداخت هزینه اجرای قرار کارشناسی که دادگاه بدوی در مقام رسیدگی به واخواهی، رأساً صادر نموده است، بر عهده:

- 1) واخواه است و در صورت عدم پرداخت قرار رد دعوی واخواهی صادر می گردد.
- 2) واخوانده است و در صورت عدم پرداخت قرار رد دعوی واخواهی صادر می گردد.
- 3) واخوانده است و در صورت عدم پرداخت قرار ابطال دادخواست بدوی صادر می گردد.
- 4) حسب مورد ممکن است برعهده واخواه یا واخوانده باشد.

108- اگر دادگاه بدوی، رأساً قرار تحقیق محلی صادر نماید اما خواهان از تهیه وسیله اجراء قرار امتناع نماید:

1) قرار رد دعوی صادر می گردد. 2) قرار ابطال دادخواست صادر می گردد. 3) قرار رد دادخواست صادر می گردد. 4) رسیدگی متوقف می گردد.

109- اجراء قرار معاینه محل در امور حقوقی:

1) ممکن است توسط قاضی دادگاه یا ضابط قضایی به عمل آید. 2) ممکن است توسط یکی از دادرسان دادگاه، مدیر دفتر یا ضابط قضایی به عمل آید. 3) همیشه به ضابط قضایی ارجاع داده می شود. 4) توسط مدیر دفتر قابل اجراء نیست.

110- در قرار کارشناسی به طرفین ابلاغ می گردد.

1) وصول نظریه کارشناس 2) اخطار تودیع دستمزد 3) مهلت کارشناسی 4) هیچکدام

111- اعتراض به نظر کارشناس:

1) ممکن است کتبی یا شفاهی باشد. 2) باید کتبی باشد. 3) باید به موجب دادخواست باشد. 4) بسته به نظر قاضی است.

112- مهلت پرداخت دستمزد کارشناس:

1) در اخطار صادره از سوی دادگاه تعیین می گردد. 2) هفت روز است. 3) 5 روز است. 4) 10 روز است.

113- آیا صدور قرار کارشناسی جهت یافتن عرف حاکم بر قضیه، امکان پذیر است؟

1) خیر 2) بله 3) برای یافتن عرف خاص و فنی امکان پذیر است. 4) فقط برای عرف خارجی امکان پذیر است.

114- مهلت کارشناس برای ارائه نظر کارشناسی، یک مهلت است.

1) قضایی است و کارشناس می تواند استمهال نماید. 2) قضایی است و کارشناس نمی تواند استمهال نماید. 3) قانونی است و کارشناس می تواند استمهال نماید. 4) قانونی است و کارشناس نمی تواند استمهال نماید.

115- اگر یکی از اصحاب دعوی از تخلف کارشناس متضرر گردد:

1) کارشناس مسئول جبران خسارت است.

2) اگر کارشناس مرتکب تقصیر شده باشد، کارشناس و اگر مرتکب قصور شده باشد، دولت مسئول جبران خسارت است.

3) اگر کارشناس مرتکب تقصیر عمدی شده باشد، کارشناس و اگر مرتکب تقصیر غیرعمدی باشد، دولت مسئول جبران خسارت است.

4) اگر کارشناس مرتکب تقصیر شده باشد کارشناس و اگر مرتکب قصور شده باشد، طرف مقابل مسئول جبران خسارت است.

116- کارشناس در مدت کارشناسی نظر خود را به دادگاه تقدیم نمی کند. وصول نظریه او تا چه زمانی معتبر است؟

1) تا قبل از انتخاب کارشناس جدید. 2) تا قبل از اخطار به کارشناس جدید.

3) تا قبل از وصول نظریه کارشناس جدید. 4) تقدیم نظریه بعد از انقضاء مهلت کارشناسی معتبر نیست.

117- طرفین دعوی می توانند تا قبل از کارشناس مرضی الطرفین انتخاب نمایند.

1) انتخاب کارشناس توسط دادگاه 2) اخطار به کارشناس منتخب دادگاه 3) اقدام کارشناس منتخب دادگاه 4) وصول نظریه کارشناس منتخب دادگاه

118- دادگاه باید کارشناس را

1) از میان کارشناسان رسمی دادگستری و به قید قرعه انتخاب نماید.

2) به قید قرعه و علی الاصول از میان کارشناسان رسمی دادگستری انتخاب نماید.

3) از میان کارشناسان رسمی دادگستری انتخاب نماید اما نیاز به استقراع نیست.

4) علی الاصول از میان کارشناسان رسمی دادگستری انتخاب نماید اما نیاز به استقراع نیست.

119- کارشناس در چه صورت جلب می گردد؟

1) در صورت احضار برای اداء توضیحات و عدم حضور کارشناس

2) در صورت 2 بار احضار برای اداء توضیحات و عدم حضور کارشناس

3) در صورت احضار برای انجام مورد کارشناسی و عدم حضور کارشناس

4 در صورت 2 بار احضار برای انجام مورد کارشناسی و عدم حضور کارشناس

120- اطلاعات حاصل از قرار معاینه محل:

- 1) اماره قضایی است که در برابر اماره قانونی بی اعتبار می گردد.
- 2) اماره قضایی است که در برابر اماره قضایی بی اعتبار است.
- 3) اماره قضایی است که بر اماره قانونی حاکم است.
- 4) اماره قانونی است که بر اماره قضایی حاکم است.

121- اگر خواننده از ادای سوگند بتی امتناع نماید؟

- 1) دادگاه اتیان سوگند را به طرف دعوا رد می کند.
- 2) با درخواست خواننده سوگند به طرف دعوا رد می شود.
- 3) با درخواست خواهان سوگند به طرف دعوا رد می شود.
- 4) با درخواست خواهان یا خواننده سوگند به طرف دعوا رد می شود.

122- استمهال جهت کدامیک پذیرفته است؟

- 1) جهت درخواست صدور قرار اتیان سوگند.
- 2) جهت قبول یا رد سوگند
- 3) جهت درخواست صدور قرار اتیان سوگند یا قبول یا رد سوگند
- 4) جهت درخواست صدور قرار اتیان سوگند یا نکول در برابر سوگند

123- کدام سوگند فقط در دعاوی مالی کاربرد دارد؟

- 1) سوگند استظهاری
- 2) سوگند بتی و تکمیلی
- 3) سوگند بتی و استظهاری
- 4) سوگند تکمیلی

124- کدام عبارت در خصوص امکان اثبات حدود شرعی به وسیله سوگند صحیح است؟

- 1) در حدود شرعی حق سوگند نیست مگر در حد سرقت.
- 2) حدود شرعی به وسیله سوگند قابل اثبات است.
- 3) در حد سرقت حق سوگند نیست اما نسبت به رد مال حق سوگند وجود دارد.
- 4) در حدود شرعی حق سوگند نیست مگر در حد سرقت و قذف.

125- اگر دادگاه خارجی به دادگاه ایرانی برای انجام تحقیقات قضایی نیابت دهد، دادگاه ایرانی تحقیقات مربوط را

- 1) بنا بر ترتیبات قانون ایران انجام می دهد.
- 2) بنا بر ترتیبات قانون خارجی انجام می دهد.
- 3) علی الاصول بنا بر ترتیبات قانون ایران انجام می دهد.
- 4) علی الاصول بنا بر ترتیبات قانون خارجی انجام می دهد.

126- کدام مورد قابل نیابت دادن است؟

- 1) صدور و اجراء قرار کارشناسی
- 2) صدور قرار تأمین خواسته و اجراء آن
- 3) اجراء قرار معاینه محل
- 4) همه گزینه ها

127- رأی دادگاه باید

- 1) ظرف 7 روز از ختم دادرسی انشاء و اعلام گردد.
- 2) ظرف 5 روز از ختم دادرسی انشاء و اعلام گردد.
- 3) ظرف 7 روز از ختم مذاکرات انشاء و اعلام گردد.
- 4) ظرف 5 روز از ختم مذاکرات انشاء و اعلام گردد.

128- اگر دعوی قابل تجزیه باشد و فقط قسمتی از آن مقتضی صدور رأی باشد:

- 1) قاضی در همان قسمت مکلف به صدور رأی است.
- 2) قاضی در همان قسمت مکلف به صدور رأی نیست مگر در صورت درخواست متداعیین.
- 3) قاضی در همان قسمت مکلف به صدور رأی نیست مگر در صورت درخواست خواهان.
- 4) قاضی به هیچ وجه مکلف به صدور رأی در آن قسمت نیست.

129- کدام یک از تصمیمات ذیل باید پاکنویس گردد؟

- 1) قرار رد دعوی
- 2) گزارش اصلاحی
- 3) قرار قبول واخواهی
- 4) همه گزینه ها

130- قرارهای اعدادی:

1) به صورت دادنامه به طرفین ابلاغ می گردند.

2) بدون تنظیم دادنامه به طرفین ابلاغ می گردند.

3) علی الاصول به طرفین ابلاغ نمی شوند.

4) علی الاصول بدون تنظیم دادنامه به طرفین ابلاغ می گردند.

131- واخواهی:

1) از طرق اصلاحی شکایت از رأی است و دارای اثر انتقالی است.

2) از طرق عدولی شکایت از رأی است و دارای اثر انتقالی است.

3) از طرق عدولی شکایت از رأی است و دارای اثر انتقالی نیست.

4) از طرق اصلاحی شکایت از رأی است و دارای اثر انتقالی نیست.

132- اگر شخصی که هم دارای حق واخواهی و هم دارای حق تجدید نظرخواهی است، در مهلت واخواهی دادخواست تجدید نظرخواهی تقدیم نماید:

1) قرار رد دادخواست تجدید نظرخواهی توسط مدیر دفتر دادگاه بدوی صادر می گردد.

2) قرار رد دادخواست تجدید نظرخواهی توسط رئیس دادگاه بدوی صادر می گردد.

3) قرار رد دادخواست تجدید نظرخواهی توسط دادگاه تجدیدنظر صادر می گردد.

4) این دادخواست مورد رسیدگی تجدیدنظر قرار می گیرد.

133- کدام دسته از آراء به حضوری و غیابی تقسیم می گردند؟

1) احکام و کلیه قرارها (2) احکام (3) کلیه قرارها (4) احکام و قرارهای قاطع

134- یک حکم غیابی صادر شده است. هم دادنامه و هم اجرائیه به محکوم علیه، ابلاغ قانونی شده است:

1) تشکیل پرونده اجرائی منوط به اخذ تأمین مناسب از محکوم له است.

2) وصول محکوم به توسط محکوم له منوط به اخذ تأمین مناسب از محکوم له است.

3) ابلاغ اجرائیه به محکوم علیه منوط به اخذ تأمین مناسب از محکوم له است.

4) به دلیل آنکه دادنامه و اجرائیه هر دو قانوناً ابلاغ شده اند اجراء حکم نیاز به اخذ تأمین ندارد.

135- اگر محکوم علیه غایب پس از اجرای حکم غیابی واخواهی نماید و در واخواهی حکم بدوی نقض گردد:

1) خواهان ملزم به جبران خسارت ناشی از اجرای حکم اولی به واخواه می باشد.

2) خواهان ملزم به جبران خسارت ناشی از اجرای حکم اولی به واخواه می باشد اگر مرتکب تقصیر شده باشد.

3) خواهان ملزم به جبران خسارت ناشی از اجرای حکم اولی به واخواه می باشد اگر در طرح دعوی قصد اضرار عمدی داشته باشد.

4) قاضی یا دولت ملزم به جبران خسارت ناشی از اجرای حکم اولی به واخواه می باشند.

136- اگر شخصی پس از انقضاء مدت واخواهی و در مرحله ای که رأی به اجرا در آمده است با ادعای عدم اطلاع از مفاد رأی، واخواهی نماید:

1) این واخواهی مانع اجراء حکم است.

3) صدور قرار قبول دادخواست واخواهی مانع اجراء حکم است.

137- در دعوی علیه میت، سوگند بر عهده:

1) خوانده است و در صورت امتناع به خواهان رد می گردد.

3) خواهان است و در صورت امتناع به خوانده رد می گردد.

138- قرار اتیان سوگند:

1) قرار است اعدادی، قابل شکایت و دارای اعتبار امر مختومه

3) قرار است تأمینی، قابل شکایت و بدون اعتبار امر مختومه

139- رأی دادگاه پس از انشاء لفظی:

1) فوراً نوشته می شود. (2) فوراً پاکنویس می گردد.

140- مهلت واخواهی از احکام غیابی:

20 روز است اعم از اینکه واخواه مقیم ایران یا خارج باشد. (1)
2 ماه است اعم از اینکه واخواه مقیم ایران یا خارج باشد. (2)
3) برای واخواه مقیم ایران 20 روز و برای واخواه مقیم خارج 2 ماه است
4) علی الاصول برای واخواه مقیم ایران 20 روز و برای واخواه مقیم خارج 2 ماه است

141- دستور موقت:

1) ماهیتاً درخواست است، اما به موجب دادخواست به عمل می آید. (1)
2) ماهیتاً دادخواست است و نتیجه آن صدور قرار است. (2)
3) فقط در دادگاه بدوی قابل مطالبه است. (3)
4) رسیدگی به آن با تشکیل جلسه و دعوت از طرفین به عمل می آید. (4)

142- دستور موقت:

1) دعوایی است مالی (1)
2) دعوایی است غیرمالی (2)
3) دعوایی مالی یا غیرمالی محسوب نمی گردد. (3)
4) به جهت موضوع آن ممکن است دعوایی مالی یا غیرمالی باشد. (4)

143- رسیدگی به درخواست دستور موقت:

1) در جلسه اول دادرسی به عمل می آید. (1)
2) ممکن است در غیر از محل دادگاه صورت گیرد. (2)
3) مستلزم تأیید رئیس حوزه قضایی است. (3)
4) همه گزینه ها (4)

144- دستور موقت، منوط به سپردن تأمین است.

1) اجراء (1)
2) صدور (2)
3) علی الاصول صدور (3)
4) علی الاصول اجرا (4)

145- تأمین اخذ شده جهت دستور موقت:

1) باید نقداً باشد. (1)
2) ممکن است نقد یا غیرنقد باشد. (2)
3) بایستی قبل از صدور دستور موقت در اختیار خواننده قرار گیرد. (3)
4) اخذ تأمین الزامی نیست اما در صورت اخذ تأمین باید نقد باشد. (4)

146- اگر قبل از اقامه اصل دعوی، درخواست صدور دستور موقت گردد، درخواست کننده باید:

1) ظرف 20 روز از تاریخ درخواست دستور موقت، دادخواست دعوی اصلی را تقدیم نماید. (1)
2) ظرف 20 روز از تاریخ صدور دستور موقت، دادخواست دعوی اصلی را تقدیم نماید. (2)
3) ظرف 10 روز از تاریخ اجراء دستور موقت، دادخواست دعوی اصلی را تقدیم نماید. (3)
4) ظرف 10 روز از تاریخ درخواست دستور موقت، دادخواست دعوی اصلی را تقدیم نماید. (4)

147- دستور موقت:

1) قابل تبدیل است و در صورت سپردن تأمین از سوی خواننده قابل رفع اثر است. (1)
2) قابل تبدیل است ولی قابل رفع اثر نیست. (2)
3) قابل تبدیل نیست ولی در صورت سپردن تأمین از سوی خواننده قابل رفع اثر است. (3)
4) قابل تبدیل و قابل رفع اثر نیست. (4)

148- اگر دستور موقت صادر و اجرا گردد و خواهان در دعوی محکوم به بی حقی گردد، تأمین اخذ شده از متقاضی دستور موقت:

1) تا یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی نهایی به خواننده باقی می ماند. (1)
2) تا 20 روز از تاریخ صدور رأی قطعی باقی می ماند. (2)
3) تا 20 روز از تاریخ ابلاغ رأی قطعی به خواهان باقی می ماند. (3)
4) تا یک ماه از تاریخ صدور رأی نهایی باقی می ماند. (4)

149- کدام گزینه در خصوص قابلیت اعتراض به دستور موقت صحیح است؟

1) قبول یا رد آن قابل اعتراض است. (1)
2) فقط رد آن قابل اعتراض است. (2)
3) قبول یا رد آن قابل اعتراض نیست. (3)
4) قبول، رد و میزان تأمین مقرر شده قابل اعتراض است. (4)

150- تجدید نظر خواهی از دستور موقت یا فرجام خواهی از آن:

- 1) دستور موقت مطلقاً قابل تجدید نظر و فرجام نیست.
- 2) دستور موقت به تبع اصل دعوی قابل تجدید نظر و فرجام است.
- 3) دستور موقت چه مطلقاً و چه به تبع اصل دعوی قابل تجدید نظر و فرجام می باشد.
- 4) دستور موقت به تبع اصل دعوی قابل تجدید نظر است اما قابل فرجام نیست.

151- کدام قرار در مواردی قابل درخواست رسیدگی تجدید نظر نیست؟

- 1) عدم استماع دعوی
- 2) رد دادخواست
- 3) سقوط دعوی
- 4) عدم اهلیت

152- احکام مستند به کدام نوع سوگند قابل تجدید نظر خواهی نمی باشند؟

- 1) سوگند بتی
- 2) سوگند بتی یا تکمیلی
- 3) سوگند بتی، تکمیلی یا استظهاری
- 4) هیچکدام

153- اسقاط حق تجدید نظر خواهی قبل از صدور رأی بدوی:

- 1) امکان پذیر نیست.
- 2) در صورتی ممکن است که از سوی طرفین دعوی صورت گیرد.
- 3) ممکن است از جانب یکی از طرفین یا طرفین دعوی صورت گیرد.
- 4) ممکن است از جانب یکی از طرفین یا طرفین دعوی در امور مالی صورت گیرد.

154- اگر دادخواست تجدید نظر، به دفتر کل دادگاه تجدید نظر استان تقدیم گردد:

- 1) مدیر دفتر کل باید دادخواست را جهت ارجاع به یکی از شعب به نظر رئیس شعبه اول برساند و دیگر نیازی به ارسال دادخواست به دادگاه بدوی نیست.
- 2) مدیر دفتر کل باید دادخواست را جهت ارجاع به یکی از شعب به نظر رئیس شعبه اول برساند و تاریخ تقدیم دادخواست به دفتر کل، تاریخ تجدید نظر خواهی محسوب می گردد.

- 3) دادخواست باید به دادگاه بدوی فرستاده شود و تاریخ وصول دادخواست به دادگاه بدوی، تاریخ تجدید نظر خواهی محسوب می گردد.
- 4) دادخواست باید به دادگاه بدوی فرستاده شود و تاریخ تقدیم دادخواست به دفتر کل، تاریخ تجدید نظر خواهی محسوب می گردد.

155- اگر دادخواست تجدید نظر خواهی به استناد عذر موجه خارج از مهلت تقدیم گردد:

- 1) مدیر دفتر دادگاه بدوی به این عذر رسیدگی و اگر وارد نباشد قرار رد دادخواست صادر می نماید.
- 2) رئیس دادگاه بدوی به این عذر رسیدگی و اگر وارد نباشد قرار رد دادخواست صادر می نماید.
- 3) دادگاه تجدید نظر استان به این عذر رسیدگی و اگر وارد نباشد قرار رد دادخواست صادر می نماید.
- 4) مدیر دفتر دادگاه تجدید نظر استان به این عذر رسیدگی و اگر وارد نباشد قرار عدم استماع دعوی صادر می نماید.

156- اگر دادگاه بدوی صادرکننده حکم، حکم صادره را قطعی بداند و با این حال محکوم علیه تجدید نظر خواهی نماید:

- 1) مدیر دفتر دادگاه بدوی قرار رد دادخواست تجدید نظر را صادر می نماید.
- 2) رئیس دادگاه بدوی قرار رد دادخواست تجدید نظر را صادر می نماید.
- 3) دادگاه تجدید نظر استان قرار رد دادخواست تجدید نظر را صادر می نماید.
- 4) اگر دادگاه تجدید نظر استان رأی را قابل تجدید نظر نداند، قرار عدم استماع دعوی را صادر می نماید.

157- اگر اقامتگاه تجدید نظر خواه در دادخواست تجدید نظر معلوم نباشد:

- 1) مدیر دفتر دادگاه تجدید نظر نسبت به این دادخواست، قرار رد دادخواست صادر می نماید.
- 2) مدیر دفتر دادگاه بدوی نسبت به این دادخواست، قرار رد دادخواست صادر می نماید.

3) قاضی دادگاه بدوی نسبت به این دادخواست، قرار رد دادخواست صادر می نماید.

4) مدیر دفتر باید با توجه به سوابق موجود در پرونده اقامتگاه او را تکمیل نماید.

158- اگر مشخصات تجدید نظر خوانده در دادخواست تجدید نظر قید نگردد:

1) مدیر دفتر بدوی خطاب به تجدید نظرخواه اخطار رفع نقص صادر می کند و به او 10 روز مهلت رفع نقص می دهد.

2) مدیر دفتر تجدید نظر خطاب به تجدید نظرخواه اخطار رفع نقص صادر می کند و به او 10 روز مهلت رفع نقص می دهد.

3) دادگاه بدوی خطاب به تجدید نظرخواه اخطار رفع نقص صادر می کند و به او 10 روز مهلت رفع نقص می دهد.

4) دادگاه تجدیدنظر خطاب به تجدید نظرخواه اخطار رفع نقص صادر می کند و به او 10 روز مهلت رفع نقص می دهد.

159- اگر تجدید نظر خواه تا قبل از ختم رسیدگی تجدید نظر و در جریان جلسه اول، دادخواست تجدید نظر خواهی خود را مسترد دارد:

1) دادگاه قرار ابطال دادخواست صادر می کند.

2) دادگاه قرار رد دعوی صادر می کند.

3) دادگاه قرار سقوط دعوی صادر می کند.

4) تجدید نظر خواهی متوقف می گردد اما این امر مانع اجراء رأی بدوی نیست.

160- اگر وکیل اقدام به تقدیم دادخواست تجدید نظر بنماید اما وکالت نامه خود را به دادخواست تجدید نظر ضمیمه ننماید و در نتیجه

سمت او محرز نباشد:

1) مدیر دفتر بدوی، باید خطاب به وکیل اخطار رفع نقص صادر نماید.

2) مدیر دفتر تجدیدنظر، باید خطاب به وکیل اخطار رفع نقص صادر نماید.

3) مدیر دفتر تجدید نظر، باید خطاب به موکل اخطار رفع نقص صادر نماید.

4) دعوی به موجب قرار دادگاه تجدید نظر رد می گردد.

161- گزارش گیری از پرونده های ارجاعی به شعب دیوان عالی کشور توسط چه کسی صورت می گیرد؟

1) رییس یا مستشار شعبه مرجوع الیه

2) رییس دیوان عالی کشور یا معاون وی

3) دادستان کل کشور یا یکی از معاونین وی

4) رییس دادگاه های انتظامی قضات

162- تغییر ارجاع پرونده ها در دیوان عالی کشور:

1) در موارد رد دادرسی مجاز است.

2) در موارد تجویز قانون یا صلاحدید رئیس دیوان عالی کشور مجاز است.

3) در موارد تجویز قانون یا صلاحدید دادستان کل کشور مجاز است.

4) در موارد تجویز قانون مجاز است.

163- حق فرجام تبعی در چه حدود از فرجام اصلی تبعیت می کند؟

1) در ایجاد حق و بقاء آن (2) فقط در ایجاد حق (3) فقط در بقاء آن (4) نه در ایجاد حق و نه در بقاء آن

164- اگر رأی دادگاه تجدیدنظر جزئاً علیه هر دو طرف و نیز جزئاً له هر دو طرف باشد و طرفین در مهلت مقرر از آن فرجام خواهی

نمایند و سپس یکی از ایشان دادخواست فرجامی خود را مسترد دارد:

1) فرجام خواهی دیگری مورد رسیدگی واقع می شود.

3) نسبت به فرجام خواهی دیگری قرار رد دعوی صادر می گردد.

4) استرداد دادخواست فرجامی ممکن نیست.

165- مهلت فرجام خواهی تبعی:

1) 20 روز از تاریخ تقدیم دادخواست فرجام اصلی است.

2) 10 روز از تاریخ تقدیم دادخواست فرجام اصلی است.

3) 20 روز از تاریخ ابلاغ دادخواست فرجام اصلی است.

4) 10 روز از تاریخ ابلاغ دادخواست فرجام اصلی است.

166- فرجام تبعی:

1) اگر شفاهاً به عمل آید در صورت مجلس نوشته شده و به امضاء فرجام خواه تبعی و دادرسی می رسد.

2) به موجب دادخواست به عمل می آید.

3) ماهیتاً درخواست است.

4) مستلزم پرداخت هزینه دادرسی معادل دعاوی غیرمالی است.

167- اگر جهت فرجام خواهی تعارض دو حکم باشد، مهلت فرجام:

1) 20 روز از تاریخ ابلاغ آخرین حکم است.

3) 10 روز از تاریخ ابلاغ آخرین حکم است.

2) 20 روز از تاریخ آخرین ابلاغ هر یک از دو حکم است.

4) هیچکدام.

168- در صورت نقض حکم در دیوان عالی کشور، جهت تجدید رسیدگی در شعبه هم عرض:

1) تقدیم دادخواست جدید با رعایت تشریفات لازم است

2) تقدیم دادخواست جدید لازم است اما نیاز به رعایت تشریفات نیست.

3) تقدیم دادخواست جدید لازم نیست.

4) تقدیم دادخواست جدید با رعایت تشریفات و هزینه دادرسی لازم است.

169- در صورتی که رأی صادره از دادگاه بدوی که در دادگاه تجدیدنظر استان عیناً تأیید شده است، به جهت نقض تحقیقات توسط شعبه

دیوان عالی کشور نقض شود:

1) پرونده به شعبه رسیدگی کننده بدوی فرستاده می شود.

2) پرونده به شعبه رسیدگی کننده تجدیدنظر فرستاده می شود.

3) پرونده به شعبه هم عرض بدوی فرستاده می شود.

4) پرونده به شعبه هم عرض تجدیدنظر فرستاده می شود.

170- اگر جهت فرجام خواهی تعارض دو رأی با یکدیگر باشد:

1) رأی موخر الصدور قطعاً نقض می گردد.

2) رأی مقدم الصدور قطعاً نقض می گردد.

3) رأی که ثانیاً ابلاغ شده است قطعاً نقض می گردد.

4) رأی مخالف قانون نقض و دیگری ابرام می گردد.

171- ابلاغ اوراق احضاریه دیوان عالی کشور:

1) از آنجاکه در دیوان عالی کشور، جلسه رسیدگی تشکیل نمی گردد، ابلاغ اوراق احضاریه مصداق ندارد.

2) به دادگاه بدوی اقامتگاه طرفین فرستاده می شود.

3) به دفتر دادگاه صادرکننده رأی معترض عنه فرستاده می شود.

4) مانند اوراق سایر محاکم ابلاغ صورت می گیرد.

172- اگر رأی معترض عنه قرارى باشد که از دادگاه بدوی صادر و در دادگاه تجدیدنظر تأیید و در دیوان عالی کشور نقض شده است،

رسیدگی ماهوی به پرونده در صلاحیت:

1) شعبه صادرکننده بدوی است.

2) شعبه صادرکننده تجدیدنظر است.

3) شعبه هم عرض بدوی است.

4) شعبه هم عرض تجدیدنظر است.

173- تجویز رسیدگی خارج از نوبت به پرونده حقوقی در دیوان عالی کشور با:

1) قانون یا رئیس دیوان عالی کشور است.

2) رئیس شعبه مرجوع الیه است.

3) رئیس دیوان عالی کشور یا رئیس شعبه مرجوع الیه است.

4) قانون است.

174- رسیدگی در دیوان عالی کشور:

1) بدون دعوت از طرفین به عمل می آید.

2) علی الاصول بدون دعوت از طرفین به عمل می آید.

3) علی الاصول با دعوت از طرفین به عمل می آید. 4) بدون دعوت از طرفین بعمل می آید مگر آنکه رئیس دیوان دعوت طرفین را لازم بداند.

175- فرجام خواهی:

1) دارای اثر تعلیقی است.

2) دارای اثر تعلیقی نیست.

3) اگر محکوم به غیر مالی باشد و محکوم علیه تأمین مناسب دهد، می تواند اثر تعلیقی داشته باشد.

4) اگر محکوم به مالی باشد و محکوم علیه تأمین مناسب دهد، می تواند اثر تعلیقی داشته باشد.

176- در صورت فرجام خواهی از حکمی که محکوم به آن مالی است:

1) اجراء حکم متوقف می گردد.

2) اجراء حکم مطلقاً متوقف نمی گردد.

3) به تشخیص دادگاه صادرکننده ممکن است از محکوم له تأمین مناسب اخذ گردد.

4) به تشخیص شعبه مرجوع الیه دیوان عالی کشور ممکن است از محکوم له تأمین مناسب اخذ گردد.

177- برای ضمیمه نمودن رأی فرجام خواسته به دادخواست فرجامی:

1) یک نسخه از تصویر رأی مزبور کافی است.

2) تصویر رأی مزبور باید به تعداد خواندگان باشد.

3) تصویر رأی مزبور باید به تعداد خواندگان به علاوه یک نسخه باشد.

4) ضمیمه نمودن تصویر رأی مزبور لازم نیست.

178- اگر مشخصات فرجام خوانده در دادخواست فرجامی قید نگردد:

1) مدیر دفتر شعبه صادرکننده رأی فرجام خواسته اخطار رفع نقص صادر می نماید، در صورت عدم رفع نقص قرار رد دادخواست فرجامی صادر می کند.

2) مدیر دفتر شعبه صادرکننده رأی فرجام خواسته اخطار رفع نقص صادر می نماید، در صورت عدم رفع نقص، دادگاه قرار رد دادخواست فرجامی صادر می کند.

3) مدیر دفتر شعبه مرجوع الیه اخطار رفع نقص صادر می نماید، در صورت عدم رفع نقص قرار رد دادخواست فرجامی صادر می کند.

4) مدیر دفتر شعبه مرجوع الیه اخطار رفع نقص صادر می نماید، در صورت عدم رفع نقص، شعبه مرجوع الیه قرار رد دادخواست فرجامی صادر می کند.

179- کدامیک از آراء ذیل قابل فرجام خواهی است؟

1) حکم به رد دعوی

2) قرار عدم استماع دعوی

3) دستور موقت

4) هیچکدام

180- کدامیک از موضوعات ذیل اگر از دادگاه تجدیدنظر مورد حکم قرار گیرند، قابل فرجام اند؟

1) ثلث

2) حبس

3) تولیت

4) حجر

181- کدام دعوای طاری در اعاده دادرسی راه دارد؟

1) جلب ثالث و ورود ثالث

2) جلب ثالث و ورود ثالث و دعوی متقابل

3) فقط دعوی متقابل

4) هیچکدام از دعوای طاری

182- در اعتراض ثالث:

1) جلب ثالث و ورود ثالث راه دارد.

2) جلب ثالث و ورود ثالث و ورود ثالث ندارد.

3) فقط جلب ثالث راه دارد.

4) فقط ورود ثالث راه دارد.

183- موعدی که ابتدای آن، از تاریخ ابلاغ است:

1) روز ابلاغ و اقدام جزء موعدانند.

2) روز ابلاغ و اقدام جزء موعد نیستند.

3) فقط روز ابلاغ جزء موعد است.

4) فقط روز اقدام جزء موعد است.

184- نسبت به حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می گردد:

1) اعاده دادرسی مسموع نیست.

2) تجدیدنظر و فرجام مسموع است.

3) اعاده دادرسی، تجدیدنظر و فرجام مسموع نیست.

4) اعتراض ثالث مسموع نیست.

185- اگر جهت اعاده دادرسی حيله و تقلب طرف دعوی باشد، ابتدای مهلت اعاده دادرسی از تاریخ:

1) کشف حيله و تقلب است.

2) ابلاغ حکم نهایی مربوط به حيله و تقلب است.

3) صدور حکم قطعی مربوط به حيله و تقلب است. 4) ابلاغ حکم قطعی مربوط به حيله و تقلب است.

186- قبول اعاده دادرسی:

- 1) مطلقاً دارای اثر تعلیقی نیست.
- 2) مطلقاً دارای اثر تعلیقی است.
- 3) نسبت به احکام غیرمالی اثر تعلیقی دارد.
- 4) نسبت به احکام مالی اثر تعلیقی دارد.

187- اعاده دادرسی نسبت به کدام دسته از آراء امکان پذیر است؟

- 1) احکام و قرارهای قاطع
- 2) احکام و قرارهای قطعی
- 3) احکام قطعی
- 4) آراء اعم از قطعی یا غیرقطعی

188- اعتراض ثالث:

- 1) موجب می گردد که اجراء حکم منوط به اخذ تأمین مناسب از محکوم له گردد.
- 2) می تواند موجب شود که اجراء حکم منوط به اخذ تأمین مناسب از محکوم له گردد.
- 3) موجب می گردد که با اخذ تأمین مناسب از محکوم علیه اجراء حکم متوقف گردد.
- 4) ممکن است موجب گردد که با اخذ تأمین مناسب از محکوم علیه اجراء حکم متوقف گردد.

189- کدامیک مطلقاً دارای اثر انتقالی است؟

- 1) واخواهی
- 2) اعاده دادرسی
- 3) اعتراض ثالث
- 4) همه گزینه ها

190- مواعیدی را که دادگاه تعیین نموده باشد در چه زمانی منقضی خواهند شد؟

- 1) در همان تاریخ.
- 2) یک روز پس از آن تاریخ.
- 3) هر زمان که دادگاه معین نماید.
- 4) هیچکدام.

191- اعاده دادرسی طاری

- 1) به موجب تقدیم دادخواست به عمل می آید.
- 2) به موجب درخواست به عمل می آید.
- 3) به موجب درخواست و متعاقباً تقدیم دادخواست به عمل می آید.
- 4) در مواردی به موجب درخواست و در مواردی به موجب دادخواست به عمل می آید.

192- در کدام موارد درخواست اعاده دادرسی به دیوانعالی کشور تقدیم می گردد، تا دیوان آن را به دادگاه صادرکننده حکم ارجاع دهد؟

- 1) در کلیه امور حقوقی، تجویز اعاده دادرسی با دیوان عالی کشور است.
- 2) در مواردی که دعوی مورد درخواست اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی باشد.
- 3) در مواردی که در خصوص صلاحیت مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی اختلاف شده است.
- 4) در هیچکدام.

193- اعاده دادرسی نسبت به آراء متعارض در صورتی ممکن است که:

- 1) هر دو حکم و صادره از یک دادگاه باشند. 2) صادره از یک دادگاه باشند. 3) هر دو حکم باشند. 4) هر دو جزء تاسیسی داشته باشند.

194- رسیدگی به اعاده دادرسی طاری در صلاحیت کدام دادگاه است؟

- 1) دادگاه صادرکننده حکم مورد درخواست اعاده دادرسی.
- 2) دادگاهی که حکم در آنجا به عنوان دلیل ابراز شده است.
- 3) دادگاهی که حکم در آنجا به عنوان دلیل ابراز شده است مگر آنکه از دادگاه صادرکننده رأی مورد درخواست اعاده دادرسی پایین تر باشد.
- 4) دادگاهی که حکم در آنجا به عنوان دلیل ابراز شده است مگر آنکه از دادگاه صادرکننده رأی مورد درخواست اعاده دادرسی پایین تر باشد یا با آن هم درجه باشد.

195- رسیدگی به اعتراض ثالث طاری در صلاحیت کدام دادگاه است؟

- 1) دادگاه صادرکننده رأی مورد اعتراض ثالث
- 2) دادگاهی که حکم در آنجا به عنوان دلیل ابراز شده است.
- 3) دادگاهی که حکم در آنجا به عنوان دلیل ابراز شده است مگر آنکه از دادگاه صادرکننده رأی مورد اعتراض ثالث پایین تر باشد.
- 4) دادگاهی که حکم در آنجا به عنوان دلیل ابراز شده است مگر آنکه از دادگاه صادرکننده رأی مورد اعتراض ثالث پایین تر باشد یا با آن هم درجه باشد.

196- اعتراض ثالث اصلی:

- 1) نسبت به احکام و قرارهای قطعی امکان پذیر است.
- 2) نسبت به احکام و قرارها اعم از قطعی یا غیرقطعی امکان پذیر است.
- 3) فقط نسبت به احکام قطعی امکان پذیر است.
- 4) فقط نسبت به احکام اعم از قطعی یا غیرقطعی امکان پذیر است.

197- اعتراض ثالث طاری باید به موجب

- 1) دادخواست و به طرفیت محکوم له و محکوم علیه رأی مورد اعتراض باشد.
- 2) درخواست و به طرفیت محکوم له و محکوم علیه رأی مورد اعتراض باشد.
- 3) دادخواست و به طرفیت محکوم له رأی مورد اعتراض باشد.
- 4) درخواست و به طرفیت محکوم له رأی مورد اعتراض باشد.

198- رأی داور :

- 1) قابل اعاده دادرسی و اعتراض ثالث است.
- 2) فقط قابل اعتراض ثالث است.
- 3) فقط قابل اعاده دادرسی است.
- 4) نه قابل اعاده دادرسی و نه قابل اعتراض ثالث است.

199- کدام دسته از آراء ذیل قابل اعتراض ثالث اند؟

- 1) آراء صادره از دادگاههای عمومی، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور.
- 2) آراء صادره از دادگاههای عمومی، تجدیدنظر، دیوان عدالت اداری.
- 3) آراء صادره از دادگاههای عمومی، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری
- 4) فقط آراء صادره از دادگاههای عمومی و تجدیدنظر

200- مهلت اعتراض ثالث:

- 1) 20 روز از صدور رأی قطعی است.
- 2) 20 روز از صدور رأی قطعی یا قطعیت رأی صادره است.
- 3) 20 روز از تاریخ ابلاغ رأی قطعی است.
- 4) هیچکدام

201- در صورت سکوت طرفین قرارداد داوری مدت داوری

- 1) 3 ماه و غیرقابل تجدید است.
- 2) 3 ماه و به درخواست یکی از طرفین قابل تمدید از سوی دادگاه است.
- 3) 1 ماه و غیرقابل تمدید است.
- 4) 3 ماه و به تراضی قابل تمدید است.

202- اگر دعوایی در مرحله فرجامی باشد و طرفین تقاضای ارجاع امر به داوری را بنمایند:

- 1) رأی صادره نقض و پرونده به داوری ارجاع می گردد.
- 2) رأی صادره نقض و پرونده برای ارجاع به داوری به دادگاه صادرکننده رأی ارسال می گردد.
- 3) پرونده برای ارجاع به داوری به دادگاه صادرکننده رأی ارسال می گردد.
- 4) داوری در مرحله فرجام امکان پذیر نیست.

203- ابطال رأی داور مستلزم است که نتیجه آن ممکن است

- 1) درخواست، حکم به بطلان رأی داور
- 2) درخواست، قرار ابطال رأی داور
- 3) دادخواست، حکم به بطلان رأی داور
- 4) دادخواست، قرار ابطال رأی داور

204- اگر ابطال رأی داور خارج از موعد مقرر قانونی تقاضا شود، دادگاه:

1) قرار قطعی رد دادخواست صادر می کند.

2) قرار قطعی رد درخواست صادر می کند.

3) قرار قابل اعتراض رد دادخواست صادر می کند.

4) قرار قابل اعتراض عدم استماع دعوی صادر می کند.

205- اجراء رأی داور:

1) مستلزم درخواست از داور است.

2) مستلزم درخواست از دادگاه است.

3) مستلزم تقدیم دادخواست و اقامه دعوی در دادگاه اقامتگاه محکوم علیه رأی داور است.

4) مستلزم تقدیم دادخواست و اقامه دعوی در دادگاه صالح برای رسیدگی به اصل موضوع است.

206- داور در صدور رأی باید قوانین....

1) ماهوی و شکلی را رعایت نماید. 2) ماهوی را رعایت نماید. 3) شکلی را رعایت نماید. 4) ملزم به رعایت قوانین ماهوی و شکلی نیست.

207- جبران خسارت ناشی از تقصیر داور در انجام وظایف داور:

1) برعهده شخص تعیین کننده است.

2) اگر از مقوله تقصیر باشد بر عهده خود او و اگر از مقوله قصور باشد برعهده شخص تعیین کننده اوست.

3) اگر از مقوله تقصیر باشد بر عهده خود او و اگر از مقوله قصور باشد برعهده دولت است.

4) بر عهده داور است.

208- کدام دعوی قابل ارجاع به داور نیست؟

1) اجرت المثل ایام زوجیت 2) نسب

3) نفقه ایام عده 4) هیچکدام قابل ارجاع به داور نیستند.

209- مهلت محکوم علیه برای اجراء رأی داور:

1) 20 روز از تاریخ ابلاغ رأی است.

2) 20 روز از تاریخ صدور رأی است.

3) 10 روز از تاریخ ابلاغ رأی است.

4) 10 روز از تاریخ صدور رأی است.

210- صلح و سازش دعوای موضوع داور توسط داوران منوط است به:

1) آنکه ایشان حق صلح داشته باشند و همه ایشان به صلح و سازش تراضی نمایند.

2) آنکه ایشان حق صلح داشته باشند و اکثریت ایشان به صلح و سازش تراضی نمایند.

3) حق صلح از ایشان سلب نشده باشد و همه ایشان به صلح و سازش تراضی نمایند.

4) حق صلح از ایشان سلب نشده باشد و اکثریت ایشان به صلح و سازش تراضی نمایند.

211- عزل داور:

1) اگر اختصاصی باشد قابل عزل نیست.

2) اگر منتخب دادگاه باشد قابل عزل نیست.

3) منوط به تصویب دادگاه است.

4) منوط به توافق طرفین است.

212- فوت داور موجب:

1) زوال داور است.

2) زوال داور نیست و دادگاه برای او جایگزین تعیین می کند.

3) در داور مقید به شخص، موجب زوال داور است.

4) زوال داور نیست و طرفین برای او جایگزین تعیین می کنند.

213- زوال داور به موجب تراضی به عمل می آید.

1) طرفین

2) کتبی طرفین

3) رسمی طرفین

4) طرفین و داور

214- اگر شخصی محجور باشد:

1) با تراضی طرفین می تواند داوری نماید.

2) می تواند به عنوان داور اختصاصی منصوب گردد.

3) با حکم دادگاه می تواند داوری نماید.

4) نمی تواند داوری کند.

215- مهلت رد داور در صورت تعیین داور از سوی دادگاه:

1) نهایتاً تا پایان جلسه است. 2) تا 10 روز از تاریخ ابلاغ است. 3) تا 20 روز از تاریخ تعیین است. 4) تا یک هفته از تاریخ ابلاغ است.

216- ارجاع دعاوی دولتی به داوری:

1) ممنوع است.

2) منوط است به تصویب هیأت وزیران و مجلس شورای اسلامی.

3) منوط است به تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی

4) مجاز است.

217- اتباع خارجه از داوری بین ایرانیان و خارجیان:

1) ممنوع اند.

2) در صورتیکه از همان تابعیت طرف مقابل باشند، ممنوع اند.

3) در صورتیکه در ضمن شرط داوری تعیین شده باشند، ممنوع اند.

4) ممنوع نیستند.

218- داور

1) صلاحیت نسبت به صلاحیت ندارد.

2) صلاحیت نسبت به صلاحیت دارد.

3) علی الاصول صلاحیت نسبت به صلاحیت ندارد.

4) علی الاصول صلاحیت نسبت به صلاحیت دارد.

219- کدامیک در داوری امکان پذیر است؟

1) جلب ثالث و ورود ثالث

2) جلب ثالث و ورود ثالث اصلی

3) فقط ورود ثالث

4) هیچکدام

220- رسیدگی به ادعای جعل توسط داور:

1) مجاز است و داور می تواند برای این منظور اقدام به جلب نظر کارشناس نماید.

2) مجاز است اما داور نمی تواند برای این منظور اقدام به جلب نظر کارشناس نماید.

3) اگر ادعای جعل ساده باشد، مجاز است و داور می تواند برای این منظور اقدام به جلب نظر کارشناس نماید.

4) اگر ادعای جعل ساده باشد، مجاز است و داور نمی تواند برای این منظور اقدام به جلب نظر کارشناس نماید.

221- اعسار از هزینه دادرسی:

1) از تاجر در دعاوی تجاری پذیرفته نیست.

2) از تاجر در دعاوی تجاری و مدنی پذیرفته نیست.

3) از تاجر در دعاوی تجاری و مدنی و از کسبه جزء در دعاوی تجاری پذیرفته نیست.

4) از تاجر فقط در دعاوی تجاری پذیرفته است.

222- اعسار از هزینه دادرسی:

1) ماهیتاً درخواست است اما باید به موجب تقدیم دادخواست تقاضا گردد.

2) درخواست است و نیاز به تقدیم دادخواست دارد.

3) ماهیتاً دعوی است و نیاز به تقدیم دادخواست دارد.

4) در مرحله بدوی دادخواست و در مراحل تجدید نظر و فرجام درخواست است.

223- حکم صادره در خصوص دعوی مدعی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی:

1) ممکن است قابل واخواهی و تجدیدنظرخواهی باشد اما قابل فرجام نیست.

2) ممکن است قابل واخواهی و تجدیدنظرخواهی و فرجام باشد.

(3) قابل تجدیدنظر خواهی است.

(4) قابل تجدیدنظر خواهی و فرجام نیست.

224- دعوی اعسار از هزینه دادرسی باید به طرفیت چه کسی اقامه گردد؟

(1) خواننده دعوی اصلی (2) دادستان (3) رئیس حوزه قضایی (4) دعوی اعسار از هزینه دادرسی، خواننده ندارد.

225- اعسار از پرداخت محکوم به، با شهادت چند شاهد قابل اثبات است؟

(1) 2 شاهد (2) 3 شاهد (3) 4 شاهد (4) 6 شاهد

226- اگر در نتیجه اقامه دعوی اعسار از پرداخت محکوم به، حکم به بطلان دعوی صادر گردد:

(1) این حکم از اعتبار امر مختومه برخوردار است و طرح مجدد دعوی اعسار از پرداخت محکوم به، ممکن نیست.

(2) طرح مجدد دعوی اعسار از پرداخت محکوم به تا 6 ماه از تاریخ قطعیت رأی صادره در خصوص بطلان دعوی اعسار قبلی ممکن نیست.

(3) طرح مجدد دعوی اعسار از پرداخت محکوم به تا 6 ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی صادره در خصوص بطلان دعوی اعسار قبلی ممکن نیست.

(4) طرح مجدد دعوی اعسار از پرداخت محکوم به، ممکن است.

227- اگر شخصی برای دفاع از دعوی خود 2 وکیل معرفی نماید و در نهایت به موجب رأی قطعی محکوم له واقع گردد:

(1) می تواند 2 فقره حق الوکاله وکیل در قالب خسارات دادرسی مطالبه نماید.

(2) می تواند 1 فقره حق الوکاله وکیل در قالب خسارات دادرسی مطالبه نماید.

(3) اگر وکلاء مزبور مجتمعاً تعیین شده باشند می تواند 2 فقره حق الوکاله وکیل در قالب خسارات دادرسی مطالبه نماید.

(4) اگر وکلاء مزبور منفرداً تعیین شده باشند می تواند 2 فقره حق الوکاله وکیل در قالب خسارات دادرسی مطالبه نماید.

228- شخصی دارای دو دستگاه خودرو می باشد که یکی از آنها تاکسی و دیگری خودروی شخصی است. اگر این شخص محکوم علیه واقع

شود، جهت وصول محکوم به:

(1) حکم از محل فروش تاکسی و خودروی شخصی قابل اجراء است.

(2) حکم فقط از محل و فروش تاکسی قابل اجراء است.

(3) حکم فقط از محل فروش خودروی شخصی قابل اجراء است.

(4) حکم از محل فروش تاکسی یا خودروی شخصی قابل اجراء است. (به انتخاب محکوم له)

229- اگر در محل کار مردی، مقداری زیور آلات زنانه یافت شود، جهت اجراء حکمی که علیه این مرد صادر شده است:

(1) زیور آلات مزبور قابل توقیف نیستند. (2) یک دوم زیور آلات مزبور توقیف می گردد.

(3) دو سوم زیور آلات مزبور توقیف می گردد. (4) زیور آلات مزبور توقیف می گردد.

230- اگر در محل زندگی زوجین، اموالی مانند تلویزیون و دکوراسیون یافت شود، جهت اجراء حکمی که علیه مرد صادر شده است:

(1) اموال مزبور متعلق به مرد قلمداد شده و توقیف می گردد.

(2) اموال مزبور متعلق به زن قلمداد شده و توقیف نمی گردد.

(3) نیمی از اموال مزبور متعلق به مرد قلمداد شده و این اموال نسبت به یک دوم مشاع توقیف می گردد.

(4) یک سوم اموال مزبور متعلق به مرد قلمداد شده و این اموال نسبت به یک سوم مشاع توقیف می گردد.

231- اجراء احکام مدنی صادره از محاکم سایر کشورها منوط است به..... کشور خارجی صادرکننده حکم.

(1) رفتار متقابل عملی یا قانونگذاری

(2) رفتار متقابل عملی یا سیاسی

(4) رفتار متقابل عملی، سیاسی یا قانونگذاری

(3) رفتار متقابل عملی

232- اعتراض ثالث اجرایی:

- 1) بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و بدون پرداخت هزینه دادرسی به عمل می آید.
- 2) با رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و با پرداخت هزینه دادرسی به عمل می آید.
- 3) با رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و بدون پرداخت هزینه دادرسی به عمل می آید.
- 4) بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و با پرداخت هزینه دادرسی به عمل می آید.

233- تصمیم اتخاذ شده از طرف دادگاه در خصوص اعتراض ثالث اجرایی:

- 1) قابل واخواهی و تجدیدنظرخواهی است.
- 2) قابل واخواهی و تجدیدنظرخواهی و فرجام است.
- 3) قابل واخواهی نیست اما قابل تجدیدنظرخواهی است.
- 4) قابل واخواهی و تجدیدنظرخواهی نیست.

234- کدام حکم نیاز به صدور اجرائیه ندارد؟

- 1) الزام به تأدیه وجه
- 2) الزام به انجام مفاد قرارداد
- 3) خلع ید
- 4) ابطال سند

235- صدور اجرائیه با کدام مرجع است؟

- 1) دفتر دادگاه بدوی
- 2) دادگاه بدوی
- 3) دفتر دادگاه صادر کننده رأی قطعی
- 4) دادگاه صادر کننده رأی قطعی

236- کدام یک از شرایط مطالبه خسارت تأخیر تأدیه نمی باشد؟

- 1) دین بودن موضوع دعوا
- 2) وجه رایج بودن موضوع دعوا
- 3) تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت
- 4) صرف امتناع مدیون از پرداخت دین با وجود مطالبه داین

237- اگر دادگاه کیفری در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم اقدام به صدور حکم نماید، جهت اجراء حکم:

- 1) قواعد مربوط به مستثنیات دین رعایت نمی گردد.
- 2) اگر محکوم به عین معین باشد قواعد مربوطه به مستثنیات دین رعایت نمی گردد در غیر اینصورت باید رعایت شود.
- 3) قواعد مربوط به مستثنیات دین باید رعایت گردد.
- 4) قواعد مربوط به مستثنیات دین باید رعایت گردد جز در خصوص جرائم خاص مانند کلاهبرداری.

238- دعوی اعسار:

- 1) دعوایی غیرمالی ذاتی است.
- 2) دعوایی غیرمالی اعتباری است.
- 3) دعوایی مالی است.
- 4) دعوایی الحاقی است.

239- خسارات ناشی از تفویت منافع

- 1) اگر منافع ممکن الحصول باشد قابل مطالبه است و الا خیر.
- 2) قابل مطالبه نیست.
- 3) اگر منافع منفصل باشد قابل مطالبه است و الا خیر.
- 4) قابل مطالبه است.

240- رأی صادره در خصوص اعسار از پرداخت محکوم به:

- 1) قابل تجدیدنظر خواهی و فرجام خواهی نیست.
- 2) قابل تجدیدنظر خواهی و فرجام خواهی می باشد.
- 3) قابل تجدیدنظر نیست اما قابل فرجام می باشد.
- 4) قابل تجدیدنظر است اما قابل فرجام نمی باشد.

پاسخنامه:

- 1- گزینه 2. قاضی مجتهد، قانون حاکم بر پرونده را خلاف شرع می‌داند اقدام به صدور قرار امتناع از رسیدگی و ارسال پرونده به شعبه دیگر از طریق ریئس حوزه قضایی می‌نماید. به استناد تبصره م3 ق.آ.د.م مورد مذکور در این تبصره یکی از موارد صدور قرار امتناع از رسیدگی است.
- 2- گزینه 1. اگر سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده باشد (شهرستان دماوند) و ذینفع نیز مقیم ایران باشد (شهرستان سمنان) رسیدگی به دعاوی راجع به سند مزبور در صلاحیت دادگاه عمومی شهرستان سمنان است.
- به استناد م25 ق.آ.د.م عنایت داشته باشید که در این ماده فرض حضور خواهان در ایران را بیان نکرده است اما در صورت حضور خواهان در ایران رسیدگی به دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال به استناد ماده 4 قانون ثبت احوال (مصوب 1355) و نیز مفهوم مخالف ماده 25 ق.آ.د.م در صلاحیت دادگاه اقامتگاه خواهان است.
- 3- گزینه 4. زن و مردی در قم ازدواج می‌کنند و در حال حاضر مقیم شهرستان بجنورد می‌باشند. زن برای مطالبه مهریه خود که 100 عدد سکه طلا می‌باشد به دادگاه خانواده قم یا بجنورد می‌تواند رجوع کند. به استناد ماده 13 ق.آ.د.م دعاوی راجع به اموال منقول ناشی از قراردادهای در صلاحیت دادگاه محل وقوع عقد نیز می‌باشد. مهریه دعوی منقولی است که راجع به یک قرار داد (نکاح) می‌باشد. بنابراین این در صلاحیت دادگاه محل وقوع عقد (قم) می‌باشد. همچنین ماده 13 صلاحیت عام مذکور در ماده 11 را نفی نمی‌کند. بنابراین این دعاوی مهریه در صلاحیت دادگاه اقامتگاه خواننده (بجنورد) نیز می‌باشد. از آنجا که دعاوی مهریه با توجه به قانون اختصاص تعدادی از دادگاههای موجود به دادگاههای موضوع اصل 21 قانون اساسی (دادگاه خانواده) در صلاحیت دادگاه خانواده است گزینه 4 صحیح است.
- 4- گزینه 3. اگر دعوی در دادگاه عمومی تهران در حال رسیدگی باشد و در جریان رسیدگی به موجب قانون، رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه انقلاب کرج قرار گیرد به دلیل تغییر صلاحیت ذاتی رسیدگی در دادگاه انقلاب کرج ادامه پیدا می‌کند. قواعد مربوط به صلاحیت ذاتی دارای اثر فوری اند اما قواعد مربوط به صلاحیت محلی دارای اثر فوری نیستند.
- 5- گزینه 3. هیئت نظارت اداره ثبت نسبت به پرونده‌ای خود را صالح نمی‌داند و دادگاه عمومی را صالح می‌داند از رسیدگی خودداری و پرونده را بایگانی می‌کنند. اگر مراجع غیر دادگستری خود را صالح ندانند از رسیدگی خودداری می‌کنند و حق ارسال پرونده به مرجع دیگری را ندارند.
- 6- گزینه 2. دعاوی تقسیم ترکه متوفی در صلاحیت دادگاه آخرین اقامتگاه متوفی می‌باشد. به استناد م20 ق.آ.د.م. تا قبل از تقسیم ترکه، دعاوی راجع به ترکه در صلاحیت آخرین اقامتگاه متوفی دانسته است. بنابراین خود دعاوی تقسیم ترکه نیز مشمول این ماده است.
- 7- گزینه 1. قواعد آیین دادرسی مدنی علی‌الاصول امری اند. قواعد آیین دادرسی مدنی امری اند جز در حیطه صلاحیت نسبی (محلی) بنابراین قواعد صلاحیت ذاتی، سازمان قضاوتی و آیین دادرسی مدنی به معنای اخص همگی امری اند.
- 8- گزینه 2. مطالبه اجرت المثل غیر منقول و مطالبه اجرت المسمی آن به ترتیب غیرمنقول و منقول می‌باشد. اجرت المسمی مال غیر منقول به استناد م20 ق.م منقول حکمی است فلذا دعاوی راجع به آن نیز منقول اند اما دعاوی راجع به اجرت المثل مال غیر منقول، غیر منقول است.
- 9- گزینه 2. دعاوی الزام به تنظیم سند رسمی یک دستگاه آپارتمان در صلاحیت دادگاه عمومی محل اقامت خواننده است. تنظیم سند از جمله تعهدات است و به استناد م20 ق.م در حکم منقول است. بنابراین دادگاه اقامتگاه خواننده صالح می‌باشد.
- 10- گزینه 1. اگر موکل در زندان باشد تصدیق اثر انگشت او با رئیس یا معاون زندان است. به استناد م34 ق.آ.د.م
- 11- گزینه 3. اگر وکیل بعد از آنکه وقت دادرسی به او ابلاغ گردید استعفا دهد، این استعفا موجب تجدید وقت دادرسی نیست. به استناد م43 ق.آ.د.م

- 12- گزینه 3. وکالت در میان ایرادات نیاز به تصریح در وکالت نامه ندارد. استرداد سند و دعوی خسارت به استناد بند 3 و 8 م 35 ق.آ.د.م نیاز به تصریح در وکالت نامه دارند.
- 13- گزینه 1. اگر سازمان دولتی از پرداخت مبلغ قرارداد خرید ماشین آلات به شرکت سازنده امتناع نماید شرکت مزبور برای مطالبه مبلغ باید به دادگاه عمومی رجوع کند.
- از آنجا که این موضوع در شمار موضوعات خصوصی است و جنبه عمومی و حاکمیتی ندارند، نیاز به رجوع به دیوان عدالت اداری نمی‌باشد و در صلاحیت دادگاه عمومی است.
- 14- گزینه 1. در صورت عزل وکیل توسط موکل اگر وکیل از عزل خود مطلع نباشد و تجدید نظر خواهی کند، تجدید نظر خواهی او موثر در حق موکل است.
- به استناد م 38 ق.آ.د.م تا زمانی که عزل وکیل به اطلاع او نرسیده است اقدامات وی در حدود وکالت موثر در حق موکل خواهد بود.
- 15- گزینه 3. تخلفات انتظامی قضات از درجه 4 به بالا قابل تجدید نظر در هیئت تجدید نظر انتظامی قضات می‌باشد.
- آرای دادگاه عالی انتظامی قضات از درجه 4 به بالا قابل تجدید نظر و از درجه 3 به بالا قابل اعاده ی دادرسی است.
- 16- گزینه 4. دادگاه عمومی شهرستان نیشابور به صلاحیت دادگاه عمومی شهرستان مشهد قرار عدم صلاحیت صادر می‌کند و دادگاه عمومی شهرستان مشهد نیز به صلاحیت دادگاه انقلاب مشهد قرار عدم صلاحیت صادر می‌کند. در این صورت اختلاف در صلاحیت محقق نشده است. در صورتی اختلاف در صلاحیت حاصل می‌شد که دادگاه عمومی مشهد به صلاحیت دادگاه عمومی نیشابور از خود نفی صلاحیت کند. یعنی عدم صلاحیت دادگاه عمومی نیشابور را نپذیرد.
- 17- گزینه 2. تاسیس دادگاههای عمومی در هر حوزه قضایی و تعیین قلمرو محلی و تعداد شعب دادگاههای مزبور به تشخیص رئیس قوه قضائیه تعیین می‌گردد. به استناد ماده 2 قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب 1373 با اصلاحات بعدی آن.
- 18- گزینه 2. وکیلی که حق اقدام در مرحله فرجام را دارد پس از صدور رای استعفا و از رویت رای امتناع می‌نماید. در این صورت دادگاه رای را به موکل ابلاغ و ابتدای مهلت فرجام را از تاریخ ابلاغ به وکیل محسوب می‌نماید. به استناد م 45 ق.آ.د.م
- 19- گزینه 2. ابتلا به مرض مانع حرکت اگر متوجه یکی از وکلای اصحاب دعوی باشد از موجبات تجدید جلسه دادرسی است
- به استناد م 41 ق.آ.د.م. توجه داشته باشید که جهات مذکور در م 41 ق.آ.د.م اگر ناظر به طرفین دعوی و نمایندگان حقوقی ایشان باشد از موجبات تجدید جلسه دادرسی نیست. این جهات اگر ناظر به وکیل باشند از موجبات تجدید جلسه دادرسی است حتی اگر وکیل مزبور حق توکیل داشته باشد.
- 20- گزینه 3. اگر دادنامه هم به وکیل و هم به موکل ابلاغ گردد ابتدای مهلت تجدید نظر خواهی در صورتی که وکیل حق تجدید نظر داشته باشد تاریخ ابلاغ به وکیل است. به استناد تبصری م 47 ق.آ.د.م
- 21- در صورت عدم تنظیم دادخواست روی برگه های چاپی مخصوص اخطار استحضاری جهت رفع نقص توسط مدیر دفتر به دادخواست دهنده داده می‌شود. تنظیم دادخواست روی برگه های چاپی مخصوص که در صدر ماده 51 ق.آ.د.م تاکید شده است دارای ضمانت اجرایی در قانون نیست. بنابراین چنین دادخواستی نباید قبول شود و در صورت قبول نیز به جریان نمی‌افتد و مدیر دفتر اخطار استحضاری جهت رفع نقص می‌دهد بنابراین گزینه 4 صحیح است.
- 22- اگر مدیر دفتر اقدام به صدور قرار رد دادخواست نماید این قرار ظرف 10 روز از ابلاغ قابل اعتراض و نتیجه اعتراض قطعی است.
- گزینه 4 به استناد ماده 54 ق.آ.د.م صحیح است.
- 23- وکیل دادگستری به وکالت نامه خود به میزان قانونی تمبر مالیاتی الصاق نموده است اما روی وکالت نامه او گواهی مبنی بر پرداخت معادل نصف مالیات پرداختی، به صندوق حمایت وکلا و کارگشایان درج نشده است (موضوع ماده 15 آیین نامه تعرفه حق الوکاله) در این صورت اخطار رفع نقص صادر نمی‌شود، بلکه پرونده کامل است و به جریان می‌افتد بنابراین گزینه 2 صحیح است -از طرفی به استناد بند 1 ماده 53 ق.آ.د.م عدم الصاق تمبر قانونی

- بر بر گه های دادخواست و ضمانت آن موجب صدور اخطار رفع نقص می گردد. در فرض سؤال تمبر قانونی پرداخت شده است اما وکیل به تکلیف خود در قبال صندوق حمایت وکلا و کارگشایان عمل نکرده است. این امر تخلف انتظامی و قابل تعقیب است اما نقص دادخواست تلقی نمی گردد.
- 24- گزینه 4 به استناد ماده 60 ق.آ.د.م. صحیح است. دادخواست و منضمات آن به تعداد خواندگان به علاوه یک نسخه است، نه به تعداد اصحاب دعوی به علاوه یک نسخه، چرا که عبارت اصحاب دعوی خواهان را نیز در بر می گیرد.
- 25- اگر در دعوی مطالبه اجور معوقه، خواسته 100 میلیون تومان درج شده باشد اعتراض به بهای خواسته ممکن نیست.
- گزینه 3 به استناد بند 4م 62 ق.آ.د.م صحیح است. اعتراض به بهای خواسته موقعی مصادق دارد که خواسته مالی باشد که تقویم شده است. اگر خواسته، وجه رایج باشد، اعتراض به بهای خواسته امکان پذیر نیست.
- 26- در صورت تهیه تصویر یک سند در خارج از کشور گواهی نمودن مطابقت آن با اصل باید در یکی از سفارتخانه های کنسولگری مربوطه انجام شود. بنابراین گزینه 2 به استناد م 57 ق.آ.د.م صحیح است.
- 27- در صورت امتناع خوانده از دریافت اوراق قضایی در محلی غیر از آدرس اعلامی کلیه اوراق باید در آدرس به او ابلاغ گردد.
- گزینه 4 صحیح است با استناد به م 68 ق.آ.د.م امتناع خوانده از گرفتن اوراق در آدرس تعیین شده، ساقط کننده مسئولیت مامور ابلاغ است. اما خوانده حق دارد اوراق را در آدرس غیر از آدرس تعیین شده نپذیرد.
- 28- اگر زن بدون اجازه شوهر و به طور غیرقانونی منزل شوهر را ترک نموده باشد و در مکان دیگری سکونت داشته باشد، ابلاغ اوراق قضایی به او باید در محل سکونت یا محل کار او به عمل آید. بنابراین گزینه 3 به استناد تبصره 2 م 68 ق.آ.د.م صحیح است.
- 29- اگر اوراق قضایی در آدرس غیر از آدرس تعیین شده به بستگان مخاطب ابلاغ گردد این ابلاغ، باطل است.
- بنابراین گزینه 3 به استناد م 69 ق.آ.د.م صحیح است زیرا ابلاغ به بستگان مخاطب فقط در آدرس اعلامی پذیرفته شده است.
- 30- اگر بستگان مخاطب از قبول اوراق در آدرس تعیینی استتکاف ورزند برگ اخطاریه در محل الصاق و سایر اوراق اعاده می گردد و ابلاغ صورت گرفته، ابلاغ قانونی است. بنابراین گزینه 3 به استناد م 70 ق.آ.د.م صحیح است.
- 31- در دعوی راجع به شهرداری تهران، اوراق اخطاریه باید به رئیس دفتر شهرداری تهران ابلاغ گردد
- بنابراین گزینه 1 به استناد م 75 ق.آ.د.م که نحوه ابلاغ در خصوص اشخاص حقوقی حقوق عمومی را بیان می کند صحیح است.
- 32- اگر شرکت خصوصی در آدرس تعیین شده در دادخواست که مطابق آخرین آدرس اعلامی به اداره ثبت شرکت هاست، شناخته نشود ابلاغ صورت گرفته، ابلاغ صحیح و قانونی تلقی می گردد. بنابراین گزینه 2 صحیح است.
- طبق تبصره 1م 76 ق.آ.د.م ابلاغ اوراق به آخرین آدرس اعلام شده به اداره ثبت شرکت ها در خصوص شرکت های خصوصی، ابلاغ صحیح تلقی می گردد. از آنجا که اوراق به شخص مخاطب نرسیده، ابلاغ قانونی است.
- 33- در دعوی علیه یک شرکت منحل شده که دارای مدیر تصفیه نمی باشد، ابلاغ اوراق باید به آخرین مدیر عامل به عمل آید.
- بنابراین گزینه 2 به استناد تبصره 3 ماده 76 ق.آ.د.م صحیح است.
- 34- در دعوی علیه صد نفر از ساکنین یک شرکت مسکونی به خواسته خلع ید از یک باب آپارتمان به دلیل غصبی بودن زمین آن دادخواست و ضمائم به آدرس اعلامی خواندگان ابلاغ می گردد. بنابراین گزینه 3 به استناد م 74 ق.آ.د.م صحیح است. در فرض سؤال تعداد خواندگان زیاد هستند اما محصور است. بنابراین دادخواست و ضمائم به طور عادی به آدرس ایشان ابلاغ می گردد. طبق م 74 ق.آ.د.م گزینه 2 در مورد خواندگان غیرمحصور صحیح است.
- 35- ابلاغ اوراق در محل کار از طریق رئیس کارمند به عمل می آید. بنابراین گزینه 1 به استناد تبصره 1 م 68 ق.آ.د.م صحیح است.
- 36- آثار دادخواست از تاریخ تقدیم دادخواست به دفتر کل جاری می گردد. گزینه 1 با استناد به م 49 ق.آ.د.م که بیان می دارد تاریخ رسید دادخواست به دفتر تاریخ اقامه دعوا محسوب می شود. صحیح است.
- 37- تقدیم دادخواست شفاهی در حقوق ایران پذیرفته نیست. بنابراین گزینه 1 صحیح است زیرا با استناد م 51 ق.آ.د.م دادخواست فقط می تواند کتبی باشد.
- 38- در صورت ابلاغ دادخواست و ضمائم آن به خوانده از طریق نشر آگهی، فاصله بین ابلاغ تا جلسه باید حداقل 30 روز باشد.
- بنابراین گزینه 4 با استناد م 73 ق.آ.د.م صحیح است.
- 39- اگر ابلاغ تعیین وقت به خوانده از طریق ابلاغ اوراق به بستگان مخاطب شده باشد، فاصله بین ابلاغ تا جلسه دادرسی باید حداقل 5 روز باشد.

- گزینه 1 با استناد م 64 ق.آ.د.م صحیح است زیرا فاصله بین ابلاغ به خواننده تا وقت رسیدگی باید حداقل 5 روز باشد جز در جایی که ابلاغ از طریق نشر آگهی به عمل آمده است.
- 40- در دعوی راجع به منافع و حقوقی که باید مادام العمر تادیه شود بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع اقساط ده ساله بنابراین گزینه 2 با استناد بند 3 م 62 ق.آ.د.م صحیح است.
- 41- گزینه 4 صحیح است، زمان طرح ایرادات از سوی خواننده تا پایان جلسه اول دادرسی است که می تواند قبل از ورود در ماهیت یا ضمن پاسخ به ماهیت باشد. به استناد ماده 84 و 87 ق.آ.د.م
- 42- گزینه 3 صحیح است، اعتبار امر مختومه ناظر به احکام صادره از مراجع دادگستری است.
- اعتبار امر مختومه فقط ویژه احکام و قرار سقوط دعوی است که از مراجع دادگستری صادر شده باشد و فقط ناظر به منطوق رأی می باشد.
- 43- گزینه 3 صحیح است، عدم اهلیت خواننده دعوی مانع رسیدگی به پرونده نیست. به استناد ماده 86 ق.آ.د.م عدم اهلیت خواننده مانع رسیدگی نیست. توجه داشته باشید که وکیل تسخیری فقط در برخی امور کیفری راه دارد.
- 44- گزینه 2 صحیح است، در صورت وارد بودن ایراد رد دادرس قرار امتناع از رسیدگی که از قرارهای شبه قاطع است صادر می گردد.
- به استناد ماده 92 ق.آ.د.م قرار امتناع از رسیدگی از جمله قرارهای شبه قاطع است. قرار شبه قاطع قرار است که رسیدگی به پرونده را در شعبه ای خاتمه می دهد اما رسیدگی به آن پرونده در شعبه دیگری ادامه می یابد. مصادیق این قرارها عبارتند از:
- 1- قرار امتناع از رسیدگی 2- قرار عدم صلاحیت
- 45- گزینه 1 صحیح است، فرستادن اصول مستندات در دادگاه و ارائه در جلسه دادرسی. به استناد ماده 96 ق.آ.د.م. توجه داشته باشید که در حال حاضر بنابر ماده 23 قانون دیوان عدالت اداری، وکالت در دیوان عدالت اداری تابع وکالت در مراجع قضایی و نیازمند پروانه وکالت است.
- 46- گزینه 2 صحیح است، صرف نظر کردن کلی خواهان از دعوی در هر صورت موجب صدور قرار سقوط دعوی می گردد.
- به استناد بند ج ماده 107. توجه داشته باشید استرداد دعوی موجب صدور قرار رد دعوی می گردد و صرف نظر کردن کلی از آن موجب صدور قرار سقوط دعوی.
- 47- گزینه 3 صحیح است، در صورت حبس قانونی یکی از اصحاب دعوی دادگاه مهلت جهت تعیین وکیل می دهد. با استناد ماده 106 ق.آ.د.م
- 48- گزینه 1 صحیح است، اگر شهود موجب اخلال در نظم دادرسی گردند دادگاه می تواند حکم حبس آنها را تا 24 ساعت صادر کند.
- به استناد ماده 101 ق.آ.د.م
- 49- گزینه 1 صحیح است، تاخیر جلسه رسیدگی منوط است به رضایت اصحاب دعوی و اراده دادگاه. به استناد ماده 99 ق.آ.د.م
- 50- گزینه 4 صحیح است، قرار تامین خواسته قابل تجدید نظر نیست. به استناد ماده 119. فقط قبول قرار تامین خواسته به استناد ماده 116 ق.آ.د.م قابل اعتراض است.
- 51- گزینه 1 صحیح است، موضوع قرار تامین خواسته با موضوع اصل دعوی یکی است. در قرار تامین خواسته، همان موضوع دعوی اصلی یا معادل آن مورد تامین قرار می گیرد، برخلاف دستور موقت که از امور فرعی و تبعی است.
- 52- گزینه 2 صحیح است، اگر در خواست صدور قرار تامین خواسته قبل از تقدیم دادخواست در خصوص اصل ادعا مطرح شده باشد خواهان 10 روز از تاریخ صدور قرار تأمین خواسته مهلت اقامه دعوی اصلی را دارد. به استناد ماده 112 ق.آ.د.م
- 53- گزینه 3 صحیح است، اگر خواسته دعوی الزام به انجام تعهدات قراردادی ناشی از معامله پیمانکاری دولتی باشد، صدور قرار تامین خواسته در خصوص آن منتفی است. به استناد ماده 113 و 121 ق.آ.د.م درخواست تامین خواسته فقط نسبت به اموال امکانپذیر است. یا به عبارت دیگر این قرار فقط در دعاوی با موضوع یک مال کاربرد دارد.

- 54- گزینه 4 صحیح است، متقاضی قرار تامین خواسته به نفع او صادر شده است از اجرای آن خودداری می کند. او پس از مدتی در دعوی اصلی نیز محکوم به بی حقی می گردد در این حالت به خواننده خسارتی تعلق نمی گیرد. به استناد ماده 120 ق.آ.د.م خسارات خواننده ناشی از اجراء قرار تامین خواسته می تواند باشد که در این سؤال بیان شده است که قرار مزبور اجراء نشده است.
- 55- گزینه 4 صحیح است، برای صدور قرار تامین خواسته طرفین دعوت نمی شوند.
- در قرار تامین خواسته، هیچ یک از طرفین برای رسیدگی دعوت نمی شوند.
- 56- گزینه 4 صحیح است، اگر خواهان دعوایی مطالبه قرار تامین و سپس محکوم به بی حقی گردد خواننده خسارت ناشی از اجرای قرار تامین خواسته را که به او وارد شده است مطالبه نماید، مرجع رسیدگی به این درخواست همان دادگاه صادر کننده حکم راجع به اصل دعوی است که رای آن قطعی است. به استناد ماده 120 ق.آ.د.م
- 57- گزینه 2 صحیح است، ایراد دعوی واهی در دعوای متقابل نیز راه دارد. به استناد ماده 109 ق.آ.د.م ایراد دعوای واهی در کلیه دعوای طاری نیز راه دارد. از سوی دیگر به استناد همین ماده این ایراد در درخواست های مربوط به امور حسبی نیز راه دارد.
- 58- گزینه 4 صحیح است، به استناد ماده 114 ق.آ.د.م که بیان می دارد: ((نسبت به طلب یا مال معین که هنوز موعد تسلیم آن نرسیده است در صورتیکه حق مستند به سند رسمی و در معرض تضییع یا تفریط باشد می توان درخواست تامین نمود.)) توجه داشته باشید که چنین تأمینی بدون تودیع خسارت احتمالی است.
- 59- گزینه 3 صحیح است، خواسته دعوایی مطالبه دویست میلیون ریال وجه یک فقره چک می باشد. در صورتی که خواهان بخواهد وجه یک فقره چک دیگر از همان خواننده به مبلغ صد میلیون ریال را نیز مطالبه نماید باید دادخواست جدید بدهد.
- به استناد ماده 98 ق.آ.د.م. در فرض مذکور در این سؤال افزایش خواسته امکانپذیر نیست چرا که دو ادعا دارای منشاء واحد نیستند بلکه ناشی از دو فقره چک مجزا می باشند.
- 60- گزینه 2 صحیح است، کاهش خواسته در تمام مراحل دادرسی تا مقطع ختم رسیدگی مجاز است. به استناد ماده 98 ق.آ.د.م
- 61- گزینه 4 صحیح است. خواهان ورود ثالث باید دادخواست ورود ثالث را به تعداد اصحاب دعوی اصلی به علاوه یک نسخه تنظیم نماید. به استناد م 131 ق.آ.د.م
- 62- گزینه 4 صحیح است. مهلت ورود ثالث تا ختم دادرسی در مراحل بدوی، تجدیدنظر و واخواهی است. به استناد م 130 ق.آ.د.م ورود ثالث در مراحل دادرسی بدوی، تجدیدنظر و واخواهی امکان پذیر است.
- 63- گزینه 3 صحیح است. اگر ورود ثالث تبعی به منظور تبانی و تاخیر در رسیدگی طرح گردد دادگاه نسبت به دعوی ورود ثالث قرار رد دعوی صادر می کند. م 133 ق.آ.د.م که مقرر می دارد دادگاه دعوی ثالث را از دعوی اصلی تفکیک نموده و به هر یک جداگانه رسیدگی می کند، فقط نسبت به دعوی ورود ثالث اصلی می تواند مصداق داشته باشد. ورود ثالث تبعی اگر به منظور تأخیر در رسیدگی طرح گردد از آنجاکه قابلیت رسیدگی به طور جداگانه را ندارد، باید نسبت به آن قرار رد دعوی صادر گردد.
- 64- گزینه 1 صحیح است. جلب ثالث در مرحله واخواهی اگر از ناحیه واخواه باشد باید همراه با تقدیم دادخواست واخواهی به عمل آید. به استناد م 136 ق.آ.د.م واخوانده اگر بخواهد جلب ثالث بنماید می تواند تا پایان جلسه اول جهات و دلایل را بیان نماید و ظرف سه روز دادخواست تقدیم کند.
- 65- گزینه 4 صحیح است. طرح دعوی متقابل در مرحله بدوی تا پایان جلسه اول امکان پذیر است.
- دعوی متقابل در مرحله بدوی و تا پایان جلسه اول مسموع است، م 143 ق.آ.د.م نیز به همین امر اشعار دارد. بنابراین این طرح دعوای متقابل در مراحل واخواهی و تجدیدنظر مسموع نیست.
- 66- گزینه 1 صحیح است. مجلوب ثالث می تواند دعوی متقابل طرح نماید. به استناد م 139 ق.آ.د.م مجلوب ثالث از تمام حقوق خواننده برخوردار است. یکی از حقوق خواننده طرح دعوی متقابل است.
- 67- گزینه 4 صحیح است.

جلب ثالث در مرحله تجدید نظر ممکن است ولو آنکه جهات جلب در مرحله بدوی ممکن باشد و شخص اقدام به جلب ثالث ننماید.

68- گزینه 2 صحیح است. دعوی متقابل در بقاء و زوال مستقل از دعوی اصلی است.

دعوی متقابل در بقاء یا زوال از دعوی اصلی مستقل است. یعنی اگر دعوی اصلی باقی بماند و دعوی متقابل مستحق رد باشد، زائل می شود و اگر دعوی اصلی رد گردد و دعوی متقابل قابل رسیدگی باشد، رسیدگی به آن ادامه می یابد.

69- گزینه 3 صحیح است. اگر در دعوی اتباع بیگانه، تبعه بیگانه از دادن تأمین در مهلت مقرر امتناع نماید قرار رد دادخواست صادر می گردد. به استناد م 147 ق.آ.د.م

70- گزینه 2 صحیح است. در دعوی استرداد سند مالکیت اتباع بیگانه از سپردن تأمین معاف نیستند. به استناد بند 1 م 145 دعوی مطالبه مبلغ یک فقره سفته از ضامن نیاز به سپردن تأمین ندارد. به استناد بند 3 ماده مزبور و بند 5 همان ماده دعوی متقابل و دعوی علیه ورشکسته نیز نیاز به سپردن تأمین ندارد. اما دعوی استرداد سند مالکیت نیاز به سپردن تأمین دارد. توجه داشته باشید که دعوی استرداد سند مالکیت ولو آنکه این مالکیت رسمی باشد، با دعوی مستند به سند رسمی تفاوت دارد.

71- گزینه 2 صحیح است. تصمیم گیری در خصوص درخواست تأمین دلیل بدون احضار خواننده انجام می گیرد. اجرا و فرار تأمین دلیل با احضار خواننده انجام می گیرد. به استناد م 152 ق.آ.د.م. منظور از این ماده احضار طرف مقابل برای اجراء قرار است نه برای تصمیم گیری در خصوص آن.

72- گزینه 2 صحیح است. تأمین دلیل می تواند کتباً یا شفاهاً به عمل آید.

به استناد ماده 151 ق.آ.د.م. گزینه 3 به استناد م 153 ق.آ.د.م غلط است چرا که این قرار قابل ارجاع به کارمندان دفتری نیست و فقط ممکن است به مدیر دفتر ارجاع گردد نه سایر کارمندان. گزینه 1 نیز غلط است چرا که تأمین خواسته، ماهیتاً درخواست است، نه دعوی.

73- گزینه 4 صحیح است. اگر شخصی راجع به تصرف عدوانی اقامه دعوی نماید می تواند نسبت به مالکیت اقامه دعوی کند.

به استناد م 163 ق.آ.د.م اگر کسی نسبت به مالکیت اقامه دعوی کند نمی تواند نسبت به تصرف عدوانی اقامه دعوی کند، اما بالعکس آن با منع قانونی مواجه نیست.

74- گزینه 3 صحیح است. رسیدگی به دعاوی تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت تابع تشریفات آیین دادرسی نبوده و خارج از نوبت به عمل می آید. به استناد م 177 ق.آ.د.م

75- گزینه 2 صحیح است. اگر در ملک مورد تصرف عدوانی، متصرف عدوانی احداث بنا نماید بنای مزبور تا یک ماه از تاریخ اجرای حکم برای طرح دادخواست مالکیت از جانب متصرف عدوانی باقی می ماند. به استناد م 164 ق.آ.د.م

76- گزینه 1 صحیح است. مستأجر می تواند هم اصالتاً و هم به قائم مقامی مالک دعوی تصرف عدوانی نماید.

به استناد م 170 ق.آ.د.م مستأجر می تواند به قائم مقامی مالک دعوی تصرف عدوانی طرح بنماید. اما مستأجر از آنرو که خود، متصرف مال می باشد می تواند اصالتاً نیز، به طرح دعوی تصرف عدوانی مبادرت ورزد.

77- گزینه 1 صحیح است. دعوی مزاحمت نسبت به تصرفات متصرف یک ملک غیرمالی و غیرمنقول است.

این دعوی از آنرو که ناظر به یک مال غیرمنقول است، غیرمنقول است. همچنین دعاوی سه گانه تصرف (تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت) غیرمالی اعتباری اند.

78- گزینه 1 صحیح است. دستور موقت صادره در دعاوی تصرف عدوانی با صدور رأی بدوی به رد دعوی مرفوع می گردد. به استناد م 174 ق.آ.د.م

79- گزینه 2 صحیح است. مرجع ابلاغ اظهارنامه ادارات ثبت اسناد یا دفاتر دادگاهها است. به استناد م 165 ق.آ.د.م

80- گزینه 3 صحیح است. اجراء آراء صادره مبنی بر رفع تصرف عدوانی مستلزم قطعیت و صدور ابلاغ اجرائیه نیست.

به استناد م 175 ق.آ.د.م چنین آرائی بلافاصله و به دستور مرجع صادرکننده توسط اجراء دادگاه یا ضابطین دادگستری اجرا خواهد شد.

81- گزینه 4 صحیح است. سازش در مرحله فرجام مطلقاً ممکن است و پرونده به دادگاه صادرکننده رأی فرجام خواسته اعاده می گردد.

- در مرحله فرجام هم سازش ممکن است اما از آنجا که دیوان عالی رسیدگی ماهوی نمی کند پرونده را برای صدور گزارش اصلاحی به دادگاه صادرکننده رأی فرجام خواسته بر می گرداند.
- 82- گزینه 2 صحیح است. سازش خارج از دادگاه در صورتی معتبر است که در قالب سند رسمی باشد یا طرفین با حضور در دادگاه به صحت آن اقرار نمایند. به استناد م 181 و 183 ق.آ.د.م
- 83- گزینه 2 صحیح است. آیا گزارش اصلاحی از اعتبار امر مختومه برخوردار است؟ مطلقاً خیر از آنجا که گزارش اصلاحی رأی محسوب نمی گردد. از اعتبار امر مختومه نیز برخوردار نیست.
- 84- گزینه 3 صحیح است. درخواست صلح و سازش باید کتباً باید کتباً به عمل آید اما می تواند از هر یک از دادگاههای بدوی باشد. به استناد م 186 ق.آ.د.م این درخواست باید کتبی باشد. اما از آنجا که این درخواست، دعوی محسوب نمی گردد، در صلاحیت هر یک از دادگاههای عمومی بدوی می باشد.
- 85- گزینه 3 صحیح است. گزارش اصلاحی قابل فسخ یا اعلام بطلان است. گزارش اصلاحی رأی نیست بنابراین قابل واخواهی، تجدیدنظر و فرجام نیست. ولی از آن جهت که نوعی عقد صلح است قابل فسخ یا بطلان است.
- 86- گزینه 1 صحیح است. دلائلی که برای اثبات معاملات به کار می رود، تابع قوانین زمان انعقاد عقد است مگر در موارد استثنایی. به استناد م 195 ق.آ.د.م
- 87- گزینه 4 صحیح است. اقرار خارج از محکمه با هر دلیلی قابل اثبات است. اقرار خارج از دادگاه با هر دلیلی برای دادگاه قابل اثبات است اما در این صورت ارزش چنین اقراری به اندازه ارزش همان روشی است که با آن روش برای دادگاه اثبات شده است. بنابراین این اگر این اقرار با شهادت شهود اثبات گردد، ارزش اثباتی آن به اندازه ارزش شهادت شهود تنزل می یابد.
- 88- گزینه 2 صحیح است. اقرار وکیل علیه موکل نسبت به مقدمات دعوی پذیرفته است.
- به استناد م 205 ق.آ.د.م اقرار وکیل علیه موکل نسبت به امور قاطع دعوی پذیرفته نیست بنابراین این نسبت به مقدمات دعوی پذیرفته است.
- 89- گزینه 4 صحیح است. اقرار ورشکسته بر ضرر دیان نافذ نیست. به استناد م 1264 ق.م اقرار ورشکسته نسبت به رابطه مقر و مقرله صحیح است اما به ضرر دیان قابل استناد نیست.
- 90- گزینه 1 صحیح است. آیا در مقرر و مقرله، اهلیت لازم است؟ مقر باید اهلیت استیفاء و مقرله اهلیت تمتع داشته باشد. به استناد م 1262 و 1263 ق.م در مقر، اهلیت استیفاء نسبت به موضوع اقرار شرط است. بنابراین م 1266 ق.م که بیان می دارد در مقرله اهلیت شرط نیست. منظور آن است که اهلیت استیفاء شرط نیست چرا که در ادامه ماده بیان می دارد ((لکن بر حسب قانون باید بتواند دارای آنچه که به نفع او اقرار شده است، بشود.)) می فهمیم که اهلیت تمتع در مقرله شرط است.
- 91- گزینه 4 صحیح است. انکار بعد از اقرار مسموع نیست. به استناد م 1277 ق.م
- 92- گزینه 3 صحیح است. شهادت نامه سند محسوب نمی گردد و فقط اشعار بر شهادت دارد. به استناد م 1285 ق.م
- 93- گزینه 3 صحیح است. سر دفتر اسناد رسمی سندی را در حدود صلاحیت خود تنظیم می نماید اما در تنظیم آن مقررات و تشریفات قانونی را رعایت نمی کند این سند، به شرط داشتن امضاء یا مهرطرف، سند عادی است.
- از آنجا که در تنظیم این سند مقررات قانونی رعایت نشده است بنابراین این مشمول ماده 1287 ق.م نیست و سند رسمی تلقی نمی گردد اما در صورت داشتن امضاء یا مهر طرف منسب الیه، سند عادی است.
- 94- گزینه 3 صحیح است. اگر مقررات راجعه به حق تمبر در اسناد رسمی رعایت نگردد این سند یک سند رسمی تلقی می گردد و تاریخ آن در برابر ثالث قابل استناد است. به استناد م 1294 ق.م و م 1305 ق.م

- 95- گزینه 3 صحیح است. شورای اسلامی شهر موظف نیست که به دستور دادگاه رونوشت اسناد و مدارک را حسب دستور دادگاه برای دعاوی در حال رسیدگی به دادگاه بفرستند. به استناد م 212 ق.آ.د.م ماده مزبور شورای اسلامی شهر یا روستا را در بر نمی گیرد.
- 96- گزینه 4 صحیح است. خارج نویسی نمودن دفاتر تجاری اصحاب دعوی توسط شخصی که دادگاه مامور می نماید به عمل می آید. به استناد م 210 ق.آ.د.م
- 97- گزینه 2 صحیح است. جعل مفادی سند فقط نسبت به اسناد رسمی راه دارد.
- جعل مفادی یعنی تزویر مأمورین رسمی در تحریر نوشته های رسمی بنابر این فقط در اسناد رسمی راه دارد.
- 98- گزینه 2 صحیح است. اگر امضاء یک سند عادی در یک دعوی مورد انکار واقع گردد ولی اصالت سند اثبات گردد. آیا این سند در دعاوی آتی می تواند اساس تطبیق قرار گیرد؟ امضاء آن نمی تواند، اما مفاد آن می تواند.
- به استناد م 223 ق.آ.د.م. امضاء این سند نمی تواند اساس تطبیق قرار گیرد اما مفاد آن می تواند اساس تطبیق باشد.
- 99- گزینه 2 صحیح است. در صورت استناد خواهان به یک پرونده حقوقی دادگاه تصویر پرونده و عنداللزوم اصل آن را مطالبه می کند. به استناد م 215 ق.آ.د.م
- 100- گزینه 3 صحیح است. اگر مدعی جعلیت سند، در دعوی حقوقی، شخصی را به جعل سند متهم کند دادگاه به ادعای جعل و اتهام جاعل رسیدگی می کند. به استناد م 227 ق.آ.د.م
- 101- گزینه 4 صحیح است. هر یک از طرفین دعوی می تواند برای جرح شهود طرف مقابل مهلتی حداکثر 7 روزه مطالبه کند. به استناد تبصره م 234 ق.آ.د.م این تبصره هر دو طرف دعوی را شامل می شود.
- 102- گزینه 3 صحیح است. اثبات اصل نکاح با استفاده از شهادت شهود با شهادت یک مرد و 2 زن نیز امکان پذیر است. به استناد بند د م 230 ق.آ.د.م اثبات اصل نکاح با استفاده از شهادت شهود، نه صد در صد مانند دعاوی مالی است و نه صد در صد مانند دعاوی غیرمالی. اصل نکاح با شهادت دو شاهد مرد یا یک شاهد مرد به همراه دو شاهد زن قابل اثبات است.
- 103- گزینه 4 صحیح است. در امور حقوقی بعد از دو بار احضار گواه، اقدام دیگری در خصوص گواه صورت نمی گیرد. به استناد م 243 ق.آ.د.م اگر گواه برای بار دوم احضار گردد اما حاضر نشود جلب نخواهد شد.
- 104- گزینه 3 صحیح است. در صورت معذور بودن گواه از حضور در دادگاه ممکن است گواهی گواه در منزل یا محل کار او توسط یکی از قضات دادگاه استماع گردد. به استناد م 244 ق.آ.د.م. استماع شهادت شهود توسط مدیر دفتر امکان پذیر نیست و فقط باید توسط یکی از قضات دادگاه انجام شود.
- 105- گزینه 4 صحیح است. رجوع از شهادت موجب بی اثر شدن شهادت می گردد. به استناد م 1319 ق.م.
- 106- گزینه 4 صحیح است. شهادت اطفال زیر 15 سال ممکن است برای مزید اطلاع استماع گردد. به استناد م 1314 ق.م
- 107- گزینه 4 صحیح است. پرداخت هزینه اجرای قرار کارشناسی که دادگاه بدوی در مقام رسیدگی به واخواهی، رأساً صادر نموده است، حسب مورد ممکن است برعهده واخواه یا واخوانده باشد. اگر قرار کارشناسی صادره در مرحله واخواهی که توسط قاضی دادگاه رأساً صادر شده است، برای بررسی ادعاها و دفاعیات واخواه لازم باشد، هزینه آن با واخواه است و اگر برای بررسی جوانب ادعاهای خواهان بدوی و پرونده بدوی لازم باشد، هزینه آن با خواهان بدوی (واخوانده) است.
- 108- گزینه 2 صحیح است. اگر دادگاه بدوی، رأساً قرار تحقیق محلی صادر نماید اما خواهان از تهیه وسیله اجراء قرار امتناع نماید قرار ابطل دادخواست صادر می گردد. به استناد م 256 ق.آ.د.م
- 109- گزینه 4 صحیح است. اجراء قرار معاینه محل در امور حقوقی توسط مدیر دفتر قابل اجراء نیست. به استناد م 250 ق.آ.د.م. در امور حقوقی قرار معاینه محل توسط ضابط قضایی و مدیر دفتر قابل اجراء نیست.

- 110- گزینه 1 صحیح است. در قرار کارشناسی فقط وصول نظریه کارشناس به طرفین ابلاغ می گردد.
- به استناد م 260 ق.آ.د.م. وصول نظر کارشناس به طرفین ابلاغ می گردد. توجه داشته باشید که بنابر م 259 ق.آ.د.م. اخطار تودیع دستمزد کارشناس به طرفین ابلاغ نمی گردد، بلکه فقط به متقاضی کارشناسی ابلاغ می گردد.
- 111- گزینه 2 صحیح است. اعتراض به نظر کارشناس باید کتبی باشد.
- به استناد م 260 ق.آ.د.م. هرگونه مطلبی نسبت به نظر کارشناس چه نفیاً و چه اثباتاً باید به طور کتبی بیان گردد.
- 112- گزینه 2 صحیح است. مهلت پرداخت دستمزد کارشناس هفت روز است. به استناد م 259 ق.آ.د.م. این مهلت یک مهلت قضایی نیست تا دادگاه آن را تعیین نماید بلکه یک مهلت قانونی بوده و میزان آن هفت روز می باشد.
- 113- گزینه 3 صحیح است. قاضی می تواند برای یافتن عرف خاص و فنی و تخصصی اقدام به صدور قرار کارشناسی نماید اما نمی تواند برای یافتن عرف عام، قرار کارشناسی صادر نماید. چرا که عرف عام جنبه تخصصی و حرفه ای ندارد و قاضی نیز خود اهل عرف عام می باشد.
- 114- گزینه 1 صحیح است. مهلت کارشناس برای ارائه نظر کارشناسی، یک مهلت قضایی است یعنی دادگاه میزان آن را تعیین می نماید و کارشناس نیز می تواند استمهال (تقاضای مهلت دوباره) نماید. به استناد م 262 ق.آ.د.م.
- 115- گزینه 1 صحیح است. اگر یکی از اصحاب دعوی از تخلف کارشناس متضرر گردد کارشناس مسئول جبران خسارت است.
- به استناد م 267 ق.آ.د.م.
- 116- گزینه 2 صحیح است. کارشناس در مدت کارشناسی نظر خود را به دادگاه تقدیم نمی کند. وصول نظریه او تا قبل از اخطار به کارشناس جدید معتبر است. به استناد م 262 ق.آ.د.م. گرچه در ماده 262 ق.آ.د.م. از عبارت ((قبل از انتخاب یا اخطار به کارشناس دیگر)) سخن گفته شده است اما از آنجا که اخطار به کارشناس جدید بعد از انتخاب او صورت می گیرد و از این رو گزینه اخطار به کارشناس، گزینه انتخاب کارشناس را نیز در بر می گیرد، گزینه 2 صحیح تر از گزینه 1 است.
- 117- گزینه 3 صحیح است. طرفین دعوی می توانند تا اقدام کارشناس منتخب دادگاه کارشناس مرضی الطرفین انتخاب نمایند.
- به استناد م 268 ق.آ.د.م.
- 118- گزینه 2 صحیح است. دادگاه باید کارشناس را به قید قرعه و علی الاصول از میان کارشناسان رسمی دادگستری انتخاب نماید.
- به استناد م 258 ق.آ.د.م. دادگاه باید کارشناس را به قید قرعه انتخاب نماید. کارشناس دادگاه باید از میان کارشناسان رسمی دادگستری باشد مگر آنکه در محل کارشناس رسمی دادگستری نباشد که در این صورت خبره محلی جایگزین می گردد.
- 119- گزینه 1 صحیح می باشد. کارشناس در صورت احضار برای اداء توضیحات و عدم حضور کارشناس جلب می گردد. به استناد م 263 ق.آ.د.م.
- 120- گزینه 3 صحیح است. اطلاعات حاصل از قرار معاینه محل اماره قضایی است که بر اماره قانونی حاکم است.
- به استناد م 255 ق.آ.د.م. اطلاعات حاصل از قرار معاینه محل، اماره قضایی است. توجه داشته باشید که در صورت تعارض بین اماره قضایی و قانونی، اماره قضایی حاکم است چرا که بیشتر موجب اقناع وجدان قاضی می گردد.
- 121- گزینه 1 صحیح است. اگر خوانده از ادای سوگند بتی امتناع نماید، دادگاه اتیان سوگند را به طرف دعوا رد می کند.
- به استناد مواد 274 و 286 ق.آ.د.م.
- 122- گزینه 2 صحیح است. استمهال جهت قبول یا رد سوگند پذیرفته است. به استناد م 287 ق.آ.د.م.
- 123- گزینه 4 صحیح است، سوگند تکمیلی فقط در دعاوی مالی کاربرد دارد.
- به استناد م 277 ق.آ.د.م. سوگند تکمیلی فقط در امور مالی کاربرد دارد و در امور غیر مالی کاربرد ندارد.
- 124- گزینه 3 صحیح است. در حد سرقت حق سوگند نیست اما نسبت به رد مال حق سوگند وجود دارد. در حدود شرعی حق سوگند وجود ندارد. نسبت به حد سرقت نیز حق سوگند وجود ندارد. اما نسبت به جنبه حق الناسی سرقت که همان رد مال مسروقه باشد، حق سوگند وجود دارد. (م 280 ق.آ.د.م.)
- 125- گزینه 3 صحیح است. اگر دادگاه خارجی به دادگاه ایرانی برای انجام تحقیقات قضایی نیابت دهد، دادگاه ایرانی تحقیقات مربوط را

- علی الاصول بنابر ترتیبات قانون ایران انجام می دهد. به استناد م 293 ق.آ.د.م دادگاه ایران تحقیقات را طبق قانون ایران انجام می دهد مگر آنکه کشور خارجی ترتیب خاصی معین کرده باشد که در اینصورت و به شرط معامله متقابل و در صورتیکه آن ترتیبات مخالف موازین اسلام و نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد تحقیقات را طبق ترتیب خاص تعیین شده توسط کشور خارجی نیابت دهنده انجام می دهد.
- 126- گزینه 3 صحیح است. اجراء قرار معاینه محل قابل نیابت دادن است.
- به استناد م 290 ق.آ.د.م آنچه که قابل نیابت دادن است رسیدگی به دلایل یا اقدامات اجرائی است. صدور قرارهایی مانند قرار کارشناسی تأمین خواسته و به طور کلی صدور آراء قابل نیابت نیستند چرا که رأی از مقوله رسیدگی به دلایل نیست بلکه نوعی اقدام قضایی است.
- 127- گزینه 1 صحیح است. رأی دادگاه باید ظرف 7 روز از ختم دادرسی انشاء و اعلام گردد.
- به استناد م 295 ق.آ.د.م توجه داشته باشید که ختم مذاکرات و ختم دادرسی با یکدیگر تفاوت دارند. ختم مذاکرات مقطعی است که قاضی نیاز به تشکیل جلسه دادرسی دیگری احساس نمی کند ولی ممکن است سایر اقدامات رسیدگی نسبت به پرونده مانند صدور قرار کارشناسی لازم باشد اما ختم دادرسی مقطعی است که هیچگونه اقدام رسیدگی نسبت به پرونده لازم نیست و پرونده آماده صدور رأی است.
- 128- گزینه 3 صحیح است. اگر دعوی قابل تجزیه باشد و فقط قسمتی از آن مقتضی صدور رأی باشد قاضی در همان قسمت مکلف به صدور رأی نیست مگر در صورت درخواست خواهان. به استناد م 298 ق.آ.د.م
- 129- گزینه 1 صحیح است. قرار رد دعوی باید پاکنویس گردد. آن دسته از آراء محاکم باید پاکنویس گردد و اصطلاحاً به شکل دادنامه در آید که قاطع است یعنی احکام و قرارهای قاطع دعوی (مانند رد دعوی) باید دادنامه شوند اما سایر قرارها مانند قرارهای اعدادی، قبولی، شبه قاطع و نیاز به پاکنویس شدن ندارند همچنین گزارش اصلاحی نیز نیاز به پاکنویس شدن ندارد.
- 130- گزینه 3 صحیح است. قرارهای اعدادی علی الاصول به طرفین ابلاغ نمی شوند.
- قرارهای اعدادی مانند کارشناسی نیاز به تنظیم به شکل دادنامه ندارند و از آنجا که قابل شکایت نیستند علی الاصول به طرفین ابلاغ نمی گردند.
- 131- گزینه 2 صحیح است. واخواهی از طرق عدولی شکایت از رأی است و دارای اثر انتقالی است.
- واخواهی از طرق عدولی شکایت از رأی است یعنی همان مرجع صادرکننده از رأی خود عدول کرده و دوباره به آن رسیدگی می کند نه آنکه مرجع دیگری رأی او را اصلاح نماید. همچنین دارای اثر انتقالی است. یعنی پرونده با تمام جوانب موضوعی و حکمی اش مورد رسیدگی مجدد قرار می گیرد.
- 132- گزینه 4 صحیح است. اگر شخصی که هم دارای حق واخواهی و هم دارای حق تجدید نظرخواهی است، در مهلت واخواهی دادخواست تجدید نظرخواهی تقدیم نماید این دادخواست مورد رسیدگی تجدیدنظر قرار می گیرد. زیرا این عمل نوعی اسقاط حق واخواهی است و به دادخواست تقدیمی از این حیث ایرادی وارد نیست.
- 133- گزینه 2 صحیح است. کدام دسته از آراء به حضوری و غیابی تقسیم می گردند؟ فقط احکام به حضوری و غیابی تقسیم می گردند. قرارهای قاطع از آن رو که همیشه به نفع خوانده اند و از این رو قابل واخواهی نیستند چون واخواهی شکایت خوانده غایب از حکم غیابی است پس قرارهای قاطع به حضوری و غیابی تقسیم نمی گردند. همچنین سایر قرارها، مانند قرارهای اعدادی و شبه قاطع و تأمینی و قبولی از آن رو که قابل شکایت نیستند به حضوری و غیابی تقسیم نمی گردند.
- 134- گزینه 2 صحیح است. یک حکم غیابی صادر شده است. هم دادنامه و هم اجرائیه به محکوم علیه، ابلاغ قانونی شده است وصول محکوم به توسط محکوم له منوط به اخذ تأمین مناسب از محکوم له است. به استناد تبصره 2 م 306 ق.آ.د.م. در این تبصره اجراء حکم منوط به معرفی ضامن دانسته شده است اجرا حکم به معنی مرحله نهایی اجراء است یعنی زمانی که محکوم له، محکوم به را دریافت می کند. گر چه در عمل محاکم در همان ابتدای تشکیل پرونده اجرائی اقدام به اخذ تأمین می نمایند.
- 135- گزینه 1 صحیح است. اگر محکوم علیه غایب پس از اجرای حکم غیابی واخواهی نماید و در واخواهی حکم بدوی نقض گردد خواهان ملزم به جبران خسارت ناشی از اجرای حکم اولی به واخواه می باشد. به استناد م 307 ق.آ.د.م

- 136- گزینه 3 صحیح است. اگر شخصی پس از انقضاء مدت واخواهی و در مرحله ای که رأی به اجرا در آمده است با ادعای عدم اطلاع از مفاد رأی، واخواهی نماید صدور قرار قبول دادخواست واخواهی مانع اجراء حکم است. به استناد تبصره 1 م 306 ق.آ.د.م
- 137- گزینه 4 صحیح است. در دعوی علیه میت، سوگند بر عهده خواهان است و در صورت امتناع دعوی او ساقط می گردد. به استناد م 278 ق.آ.د.م
- 138- گزینه 2 صحیح است. قرار اتیان سوگند، قرارى است اعدادی، غیرقابل شکایت و بدون اعتبار امر مختومه این قرار اعدادی است چرا که پرونده را جهت صدور رأی آماده می کند. مانند دیگر قرارهای اعدادی قابل شکایت نیست و اعتبار امر مختومه نیز ندارد. تنها احکام و قرار سقوط دعوی از اعتبار امر مختومه برخوردارند.
- 139- گزینه 1 صحیح است. رأی دادگاه پس از انشاء لفظی فوراً نوشته می شود. به استناد م 296 ق.آ.د.م رأی پس از انشاء لفظی نوشته شده و بنابر م 297 ق.آ.د.م ظرف 5 روز پاکنویس می گردد.
- 140- گزینه 4 صحیح است. مهلت واخواهی از احکام غیابی علی الاصول برای واخواه مقیم ایران 20 روز و برای واخواه مقیم خارج 2 ماه است. اصطلاح علی الاصول در این گزینه به این علت است که در مواردی طبق م 306 ق.آ.د.م بر مهلت های قانونی واخواهی استثنائاتی وارد است.
- 141- گزینه 4 صحیح است. دستور موقت رسیدگی به آن با تشکیل جلسه و دعوت از طرفین به عمل می آید. به استناد م 314 ق.آ.د.م. توجه داشته باشید که دستور موقت ماهیت درخواست دارد اما این گونه نیست که لزوماً همیشه به موجب درخواست به عمل آید بلکه فقط در صورتی به موجب دادخواست به عمل می آید که قبل از دعوی اصلی مطالبه گردد یا آنکه همراه با دادخواست دعوی اصلی مطالبه شود.
- 142- گزینه 3 صحیح است. دستور موقت دعوایی مالی یا غیرمالی محسوب نمی گردد. به درخواست دستور موقت عنوان ((دعوی)) اطلاق نمی گردد. چرا که در دستور موقت دعوی و ترافعی موجود نیست بلکه دستور موقت در خصوص امور فرعی و تبعی دعوی است. در تبصره 2 م 325 ق.آ.د.م نیز آمده است که صدور دستور موقت مستلزم پرداخت هزینه دادرسی معادل دعاوی غیرمالی است. یعنی دستور موقت، دعوی محسوب نمی گردد بلکه صرفاً هزینه آن تابع دعاوی غیرمالی است.
- 143- گزینه 2 صحیح است. رسیدگی به درخواست دستور موقت ممکن است در غیر از محل دادگاه صورت گیرد. به استناد م 314 ق.آ.د.م. توجه داشته باشید که اجراء دستور موقت منوط به تأیید رئیس حوزه قضایی است، نه رسیدگی به آن. تبصره 1 م 325 ق.آ.د.م
- 144- گزینه 2 صحیح است. صدور دستور موقت، منوط به سپردن تأمین است. به استناد م 319 ق.آ.د.م. اخذ تأمین جهت صدور دستور موقت الزامی است.
- 145- گزینه 2 صحیح است. تأمین اخذ شده جهت دستور موقت ممکن است نقد یا غیرنقد باشد. به استناد م 319 ق.آ.د.م. خسارت احتمالی در دستور موقت ممکن است نقد یا غیرنقد باشد بر خلاف تأمین خواسته که تودیع خسارت احتمالی همیشه به صورت نقد است.
- 146- گزینه 2 صحیح است. اگر قبل از اقامه اصل دعوی، درخواست صدور دستور موقت گردد، درخواست کننده باید ظرف 20 روز از تاریخ صدور دستور موقت، دادخواست دعوی اصلی را تقدیم نماید. به استناد م 318 ق.آ.د.م
- 147- گزینه 3 صحیح است. دستور موقت قابل تبدیل نیست ولی در صورت سپردن تأمین از سوی خواننده قابل رفع اثر است. به استناد م 321 ق.آ.د.م. توجه داشته باشید که دستور موقت برخلاف تأمین خواسته قابل تبدیل نیست.
- 148- گزینه 1 صحیح است. اگر دستور موقت صادر و اجرا گردد و خواهان در دعوی محکوم به بی حقی گردد، تأمین خواسته اخذ شده از متقاضی دستور موقت تا یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی نهایی به خواننده باقی می ماند. به استناد م 324 ق.آ.د.م. بدیهی است که در این ماده منظور از ابلاغ رأی، ابلاغ رأی به خواننده است که حق مطالبه خسارت را دارد.

- 149- گزینه 3 صحیح است. در خصوص قابلیت اعتراض به دستور موقت قبول یا رد آن قابل اعتراض نیست.
- به استناد م 325 ق.آ.د.م. توجه داشته باشید که هر چند متقاضی دستور موقت می تواند ضمن تجدیدنظر خواهی نسبت به اصل رأی نسبت به دستور موقت نیز اعتراض و درخواست نماید اما در این سوال چون عبارت اعتراض به طور مطلق آمده است که منظور اعتراض به قبول یا رد دستور موقت در همان دادگاه صادرکننده دستور موقت است.
- 150- گزینه 4 صحیح است. در خصوص تجدید نظر خواهی از دستور موقت یا فرجام خواهی از آن به استناد م 325 ق.آ.د.م دستور موقت به تبع اصل دعوی قابل تجدید نظر است اما قابل فرجام نیست.
- 151- گزینه 2 صحیح است. قرار رد دادخواست در مواردی قابل درخواست رسیدگی تجدید نظر نیست.
- به استناد م 332 ق.آ.د.م. توجه داشته باشید که قرار رد دادخواست در صورتی قابل تجدیدنظر است که توسط دادگاه صادر شده باشد، نه توسط مدیر دفتر. توجه داشته باشید که در حقوق ما، قراری به نام قرار عدم اهلیت وجود ندارد گرچه در بند د ماده 332 ق.آ.د.م نام آن آمده اما موارد صدور چنین قراری در قانون نیامده است.
- 152- گزینه 4 صحیح است. احکام مستند به کدام نوع سوگند قابل تجدید نظر خواهی نمی باشند؟ نه سوگند بتی و نه سوگند تکمیلی و نه سوگند استظهاری. به استناد تبصره م 331 ق.آ.د.م
- 153- گزینه 2 صحیح است. اسقاط حق تجدید نظر خواهی قبل از صدور رأی بدوی در صورتی ممکن است که از سوی طرفین دعوی صورت گیرد. به استناد م 333 ق.آ.د.م. هم چنین اسقاط حق تجدیدنظر خواهی بایستی حتماً به صورت توافق کتبی باشد.
- 154- گزینه 4 صحیح است. اگر دادخواست تجدید نظر، به دفتر کل دادگاه تجدید نظر استان تقدیم گردد دادخواست باید به دادگاه بدوی فرستاده شود و تاریخ تقدیم دادخواست به دفتر کل، تاریخ تجدیدنظر خواهی محسوب می گردد.
- به استناد تبصره 1 م 339 ق.آ.د.م. توجه داشته باشید که در این حالت همان تاریخ تقدیم دادخواست به دفتر کل دادگاه تجدیدنظر استان، تاریخ تجدیدنظر خواهی است.
- 155- گزینه 2 صحیح است. اگر دادخواست تجدید نظر خواهی به استناد عذر موجه خارج از مهلت تقدیم گردد رئیس دادگاه بدوی به این عذر رسیدگی و اگر وارد نباشد قرار رد دادخواست صادر می نماید. این موارد در دادگاه بدوی رسیدگی شده و اگر وارد نباشد قرار رد دادخواست تجدید نظر در دادگاه بدوی صادر می گردد که این قرار قابل تجدید نظر خواهی است. تبصره 2 م 339 ق.آ.د.م نیز همین مقرر را بیان می دارد.
- 156- گزینه 4 صحیح است. اگر دادگاه بدوی صادرکننده حکم، حکم صادره را قطعی بداند و با این حال محکوم علیه تجدید نظر خواهی نماید دادگاه تجدید نظر استان قرار عدم استماع دعوی را صادر می نماید.
- به استناد تبصره 3 م 339 ق.آ.د.م. ممکن است دادگاه بدوی از رأی خود توصیفی اشتباه به عمل آورده باشد بنابر این رأی همچنان قابل تجدیدنظر است و در صورت تجدید نظر خواهی پرونده به دادگاه تجدیدنظر فرستاده می شود تا اگر مرجع مزبور، رأی را قابل تجدید نظر نداند، قرار عدم استماع دعوی صادر نماید.
- 157- گزینه 3 صحیح است. اگر اقامتگاه تجدید نظر خواه در دادخواست تجدید نظر معلوم نباشد، قاضی دادگاه بدوی نسبت به این دادخواست، قرار رد دادخواست صادر می نماید. به استناد م 344 ق.آ.د.م
- 158- گزینه 1 صحیح است. اگر مشخصات تجدید نظر خوانده در دادخواست تجدید نظر قید نگردد مدیر دفتر بدوی خطاب به تجدید نظر خواه اخطار رفع نقص صادر می کند و به او 10 روز مهلت رفع نقص می دهد. به استناد م 345 ق.آ.د.م
- 159- گزینه 1 صحیح است. اگر تجدید نظر خواه تا قبل از ختم رسیدگی تجدید نظر و در جریان جلسه اول، دادخواست تجدید نظر خواهی خود را مسترد دارد دادگاه قرار ابطال دادخواست صادر می کند. به استناد م 363 ق.آ.د.م

- 160- گزینه 1 صحیح است. اگر وکیل اقدام به تقدیم دادخواست تجدید نظر بنماید اما وکالت نامه خود را به دادخواست تجدید نظر ضمیمه نماید و در نتیجه سمت او محرز نباشد مدیر دفتر بدوی، باید خطاب به وکیل اخطار رفع نقص صادر نماید. به استناد م 342 و 345 ق.آ.د.م. توجه داشته باشید که در این سوال سمت وکیل در مرحله تجدیدنظر محرز نیست اگر سمت وکیل در مرحله بدوی محرز نباشد و اکنون رأی تجدید نظرخواهی شده باشد به استناد قسمت اخیر م 350 ق.آ.د.م دادگاه تجدیدنظر، قرار رد دعوی بدوی را صادر می کند.
- 161- گزینه 1 صحیح است. گزارش گیری از پرونده های ارجاعی به شعب دیوان عالی کشور توسط رییس یا مستشار شعبه مرجوع الیه صورت می گیرد. به استناد م 392 ق.آ.د.م
- 162- گزینه 4 صحیح است. تغییر ارجاع پرونده ها در دیوان عالی کشور فقط در موارد تجویز قانون مجاز است. به استناد م 391 ق.آ.د.م
- 163- گزینه 1 صحیح است. حق فرجام تبعی در ایجاد حق و بقاء آن از فرجام اصلی تبعیت می کند.
- به استناد م 413 ق.آ.د.م این حق در ایجاد تابع فرجام اصلی است و با استناد م 415 ق.آ.د.م در بقاء نیز تابع فرجام اصلی است.
- 164- گزینه 1 صحیح است. اگر رأی دادگاه تجدیدنظر جزئاً علیه هر دو طرف و نیز جزئاً له هر دو طرف باشد و طرفین در مهلت مقرر از آن فرجام خواهی نمایند و سپس یکی از ایشان دادخواست فرجامی خود را مسترد دارد فرجام خواهی دیگری مورد رسیدگی واقع می شود. از آنجا که هر دو فرجام خواهی، اصلی بوده اند و در بقاء و زوال از یکدیگر مستقل اند.
- 165- گزینه 3 صحیح است. مهلت فرجام خواهی تبعی 20 روز از تاریخ ابلاغ دادخواست فرجام اصلی است.
- به استناد م 413 ق.آ.د.م مهلت آن همان مهلت پاسخ به فرجام اصلی است. بنابر م 385 ق.آ.د.م این مهلت 20 روز است.
- 166- گزینه 3 صحیح است. فرجام تبعی ماهیتاً درخواست است. در م 413 ق.آ.د.م صراحتاً از عبارت درخواست رسیدگی فرجامی برای فرجام تبعی سخن گفته شده است.
- 167- گزینه 2 صحیح است. اگر جهت فرجام خواهی تعارض دو حکم باشد، مهلت فرجام 20 روز از تاریخ آخرین ابلاغ هر یک از دو حکم است. به استناد م 399 ق.آ.د.م
- 168- گزینه 3 صحیح است. در صورت نقض حکم در دیوان عالی کشور، جهت تجدید رسیدگی در شعبه هم عرض تقدیم دادخواست جدید لازم نیست. به استناد م 409 ق.آ.د.م
- 169- گزینه 2 صحیح است. در صورتی که رأی صادره از دادگاه بدوی که در دادگاه تجدیدنظر استان عیناً تایید شده است، به جهت نقص تحقیقات توسط شعبه دیوان عالی کشور نقض شود، پرونده به شعبه رسیدگی کننده تجدیدنظر فرستاده می شود. به استناد بند الف م 401
- 170- گزینه 1 صحیح است. اگر جهت فرجام خواهی تعارض دو رأی با یکدیگر باشد رأی موخر الصدور قطعاً نقض می گردد.
- به استناد م 376 ق.آ.د.م. زیرا رأی مؤخر خلاف اعتبار امر مختومه صادر شده است.
- 171- گزینه 2 صحیح است. ابلاغ اوراق احضاریه دیوان عالی کشور به دادگاه بدوی اقامتگاه طرفین فرستاده می شود. به استناد م 394 ق.آ.د.م
- 172- گزینه 1 صحیح است. اگر رأی معترض عنه قراری باشد که از دادگاه بدوی صادر و در دادگاه تجدیدنظر تأیید و در دیوان عالی کشور نقض شده است، رسیدگی ماهوی به پرونده در صلاحیت شعبه صادرکننده بدوی است. به استناد بند ب ماده 405 ق.آ.د.م
- 173- گزینه 1 صحیح است. تجویز رسیدگی خارج از نوبت به پرونده حقوقی در دیوان عالی کشور با قانون یا رئیس دیوان عالی کشور است. به استناد م 390 ق.آ.د.م
- 174- گزینه 2 صحیح است. رسیدگی در دیوان عالی کشور علی الاصول بدون دعوت از طرفین به عمل می آید. به استناد م 393 ق.آ.د.م
- 175- گزینه 3 صحیح است. فرجام خواهی اگر محکوم به غیر مالی باشد و محکوم علیه تأمین مناسب دهد، می تواند اثر تعلیقی داشته باشد.
- به استناد بند ب ماده 386 ق.آ.د.م. فرجام خواهی علی الاصول اثر تعلیقی ندارد مگر در مورد استثنایی مذکور در بند ب ماده 386 ق.آ.د.م
- 176- گزینه 3 صحیح است. در صورت فرجام خواهی از حکمی که محکوم به آن مالی است به تشخیص دادگاه صادرکننده ممکن است از محکوم له تأمین مناسب اخذ گردد. به استناد بند الف م 386 ق.آ.د.م

- 177- گزینه 3 صحیح است. برای ضمیمه نمودن رأی فرجام خواسته به دادخواست فرجامی تصویر رأی مزبور باید به تعداد خواندگان به علاوه یک نسخه باشد. به استناد مواد 381 و 382 ق.آ.د.م
- 178- گزینه 2 صحیح است. اگر مشخصات فرجام خوانده در دادخواست فرجامی قید نگردد مدیر دفتر شعبه صادرکننده رأی فرجام خواسته اخطار رفع نقص صادر می نماید. در صورت عدم رفع نقص، دادگاه قرار رد دادخواست فرجامی صادر می کند. به استناد م 383 ق.آ.د.م
- 179- گزینه 1 صحیح است. حکم به رد دعوی قابل فرجام خواهی است.
- قرار رد دعوی و عدم استماع دعوی قابل فرجام خواهی نیست اما حکم به رد دعوی (حکم به بطلان دعوی) قابل فرجام خواهی است. در خصوص قابلیت فرجام خواهی قرار رد و عدم استماع دعوی دکتر عبد الله شمس اعتقاد به قابل فرجام بودن آنها دارند، اما در ق.آ.د.م اشاره ای به قابل فرجام بودن این قرارها نشده است.
- 180- گزینه 4 صحیح است. کدامیک از موضوعات ذیل اگر از دادگاه تجدیدنظر مورد حکم قرار گیرند، قابل فرجام اند؟
(1) ثلث (2) حبس (3) تولیت (4) حجر
- به استناد م 368 ق.آ.د.م
- 181- گزینه 4 صحیح است. هیچکدام از دعاوی طاری در اعاده دادرسی راه ندارد. به استناد م 441 در اعاده دادرسی و ورود ثالث و جلب ثالث راه ندارد دعوی متقابل نیز در آن مصداق ندارد چرا که اعاده دادرسی دارای اثر انتقالی نیست. 182- گزینه 2 صحیح است. در اعتراض ثالث جلب ثالث و ورود ثالث راه ندارد. از آنجا که اعتراض ثالث دارای اثر انتقالی نیست جلب ثالث و ورود ثالث در آن راه ندارد زیرا اعتراض ثالث از طرق فوق العاده شکایت از آراء است.
- 183- گزینه 2 صحیح است. موعدی که ابتدای آن، از تاریخ ابلاغ است روز ابلاغ و اقدام جزء موعود نیستند. به استناد م 445 ق.آ.د.م
- 184- گزینه 2 صحیح است. نسبت به حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می گردد تجدیدنظر و فرجام مسموع است.
- به استناد م 438 توجه داشته باشید که این حکم دوباره از جهات دیگر قابل اعاده دادرسی می باشد، اما از همان جهت سابق قابل اعاده دادرسی نیست. به استناد م 440 ق.آ.د.م.
- 185- گزینه 2 صحیح است. اگر جهت اعاده دادرسی حيله و تقلب طرف دعوی باشد، ابتدای مهلت اعاده دادرسی از تاریخ ابلاغ حکم نهایی مربوط به حيله و تقلب است. به استناد م 429 ق.آ.د.م.
- 186- گزینه 3 صحیح است. قبول اعاده دادرسی نسبت به احکام غیرمالی اثر تعلیقی دارد. به استناد بند الف م 437 ق.آ.د.م.
- 187- گزینه 3 صحیح است. اعاده دادرسی نسبت به احکام قطعی امکان پذیر است. به استناد م 426 ق.آ.د.م.
- 188- گزینه 4 صحیح است. اعتراض ثالث ممکن است موجب گردد که با اخذ تأمین مناسب از محکوم علیه اجراء حکم متوقف گردد. به استناد م 424 ق.آ.د.م
- 189- گزینه 1 صحیح است. وخواهی مطلقاً دارای اثر انتقالی است. اثر انتقالی به معنای بررسی مجدد تمام جهات موضوعی و حکمی قضیه است. وخواهی مطلقاً دارای اثر انتقالی است اما اعاده دادرسی و اعتراض ثالث دارای اثر انتقالی مطلق نیستند بلکه اثر انتقالی آنها مقید و محدود است.
- 190- گزینه 1 صحیح است. مواعدی را که دادگاه تعیین نموده باشد در چه زمانی منقضی خواهند شد؟ در همان تاریخ به استناد م 449 ق.آ.د.م.
- 191- گزینه 3 صحیح است. اعاده دادرسی طاری به موجب درخواست و متعاقباً تقدیم دادخواست به عمل می آید. به استناد م 433 و تبصره آن.
- 192- گزینه 2 صحیح است. در مواردی که دعوای مورد درخواست اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی باشد درخواست اعاده دادرسی به دیوانعالی کشور تقدیم می گردد، تا دیوان آن را به دادگاه صادرکننده حکم ارجاع دهد. به استناد تبصره م 434 ق.آ.د.م توجه داشته باشید که در امور حقوقی بر خلاف امور کیفری، رسیدگی به اعاده دادرسی نیاز به تجویز دیوان عالی کشور ندارد.
- 193- گزینه 1 صحیح است. اعاده دادرسی نسبت به آراء متعارض در صورتی ممکن است که هر دو حکم و صادره از یک دادگاه باشند. به استناد بند 4 م 426 ق.آ.د.م

- 194- گزینه 1 صحیح است. رسیدگی به اعاده دادرسی طاری در صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم مورد درخواست اعاده دادرسی است. به استناد م 434 ق.آ.د.م.
- 195- گزینه 3 صحیح است. رسیدگی به اعتراض ثالث طاری در صلاحیت دادگاهی است که حکم در آنجا به عنوان دلیل ابراز شده است مگر آنکه از دادگاه صادرکننده رأی مورد اعتراض ثالث پایین تر باشد. به استناد م 421 ق.آ.د.م
- 196- گزینه 1 صحیح است. اعتراض ثالث اصلی نسبت به احکام و قرارهای قطعی امکان پذیر است. به استناد م 420 ق.آ.د.م
- 197- گزینه 1 صحیح است. اعتراض ثالث طاری باید به موجب دادخواست و به طرفیت محکوم له و محکوم علیه رأی مورد اعتراض باشد. به استناد م 420 ق.آ.د.م
- 198- گزینه 2 صحیح است. رأی داور فقط قابل اعتراض ثالث است. به استناد م 418 ق.آ.د.م و قابل اعاده دادرسی نیست.
- 199- گزینه 2 صحیح است. آراء صادره از دادگاههای عمومی، تجدیدنظر، دیوان عدالت اداری از آراء ذیل قابل اعتراض ثالث اند. به استناد م 418 ق.آ.د.م و ماده 29 قانون دیوان عدالت اداری. توجه داشته باشید که آراء دیوان عالی کشور قابل اعتراض ثالث نیستند.
- 200- گزینه 4 صحیح است. اعتراض ثالث محدود به مهلت خاصی نیست.
- 201- گزینه 4 صحیح است. در صورت سکوت طرفین قرارداد داوری مدت داوری 3 ماه و به تراضی قابل تمدید است. به استناد تبصره م 484 ق.آ.د.م
- 202- گزینه 3 صحیح است. اگر دعوایی در مرحله فرجامی باشد و طرفین تقاضای ارجاع امر به داوری را بنمایند پرونده برای ارجاع به داوری به دادگاه صادرکننده رأی ارسال می گردد. به استناد م 494 ق.آ.د.م
- 203- گزینه 1 صحیح است. ابطال رأی داور مستلزم درخواست است که نتیجه آن ممکن است حکم به بطلان رأی داور باشد. به استناد م 490 ق.آ.د.م که از عبارت درخواست استفاده شده است اما نتیجه این درخواست حکم به بطلان رأی داور است.
- 204- گزینه 2 صحیح است. اگر ابطال رأی داور خارج از موعد مقرر قانونی تقاضا شود، دادگاه قرار قطعی رد درخواست صادر می کند. به استناد م 492 ق.آ.د.م
- 205- گزینه 2 صحیح است. اجراء رأی داور مستلزم درخواست از دادگاه است. به استناد م 488 ق.آ.د.م این امر مستلزم درخواست است نه دادخواست و اقامه دعوی.
- 206- گزینه 2 صحیح است. داور در صدور رأی باید قوانین ماهوی را رعایت نماید. به استناد م 482 ق.آ.د.م. منظور از قوانین موجد حق، قوانین ماهوی است.
- 207- گزینه 4 صحیح است. جبران خسارت ناشی از تقصیر داوری در انجام وظایف داوری بر عهده داور است. به استناد م 501 ق.آ.د.م این ماده جبران هر خسارتی را از هر درجه برعهده داور گذاشته است.
- 208- گزینه 2 صحیح است. نسب قابل ارجاع به داوری نیست. به استناد م 496 ق.آ.د.م
- 209- گزینه 1 صحیح است. مهلت محکوم علیه برای اجراء رأی داور 20 روز از تاریخ ابلاغ رأی است. به استناد م 488 ق.آ.د.م
- 210- گزینه 1 صحیح است. صلح و سازش دعوای موضوع داوری توسط داوران منوط است به آنکه ایشان حق صلح داشته باشند و همه ایشان به صلح و سازش تراضی نمایند. به استناد م 483 ق.آ.د.م این ماده از صلح نامه ای سخن گفته که به امضاء داوران رسیده باشد بنابراین این اتفاق آراء را لازم دانسته است و اکثریت را کافی ندانسته است.
- 211- گزینه 4 صحیح است. عزل داور منوط به توافق طرفین است.
- به استناد م 472 ق.آ.د.م این ماده حتی داور اختصاصی را نیز در بر می گیرد.
- 212- گزینه 3 صحیح است. فوت داور در داوری مقید به شخص، موجب زوال داوری است.

- به استناد م 463 بنابر این ماده اگر طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف شخصی معین داوری نماید و آن شخص نخواهد یا نتواند رسیدگی کند و بین ایشان توافق نسبت به شخص دیگر حاصل نگردد، رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دادگاه است. یعنی فوت داور در داوری مقید به شخص خاص موجب زوال داوری است مگر در صورت توافق طرفین نسبت به شخصی دیگر.
- 213- گزینه 2 صحیح است. زوال داوری به موجب تراضی کتبی طرفین به عمل می آید. به استناد م 481 ق.آ.د.م
- 214- گزینه 4 صحیح است. اگر شخصی محجور باشد نمی تواند داوری کند. به استناد م 466 ق.آ.د.م
- 215- گزینه 2 صحیح است. مهلت رد داور در صورت تعیین داور از سوی دادگاه تا 10 روز از تاریخ ابلاغ است. به استناد م 471 ق.آ.د.م
- 216- گزینه 3 صحیح است. ارجاع دعاوی دولتی به داوری منوط است به تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی
- به استناد م 457 ق.آ.د.م. علی الاصول اطلاع مجلس کافی است و نیاز به تصویب مجلس نیست مگر آنکه طرف دعوا خارجی باشد یا اینکه قانون موضوع دعوا را مهم تشخیص دهد که در اینصورت تصویب مجلس هم ضروری است.
- 217- گزینه 4 صحیح است. اتباع خارجه از داوری بین ایرانیان و خارجیان ممنوع نیستند. به استناد م 456 ق.آ.د.م داوری اتباع خارجه بین ایرانیان و خارجیان علی الاصول مجاز است جز در فرض مذکور در م 456 ق.آ.د.م. که آن فرض با تمام شروطش در هیچ یک از گزینه ها نیامده است.
- 218- گزینه 1 صحیح است. داور صلاحیت نسبت به صلاحیت ندارد. به استناد م 461 ق.آ.د.م اگر راجع به اصل معامله یا قرارداد داوری بین طرفین اختلاف باشد، دادگاه ابتدا به این اختلاف رسیدگی می کند این عبارت یعنی اینکه داور صلاحیت نسبت به صلاحیت ندارد.
- 219- گزینه 4 صحیح است. به استناد م 475 ق.آ.د.م. دخیل شدن شخص ثالث به داوری منوط است به تراضی طرفین دعوی و ثالث. بنابر این جلب ثالث و ورود ثالث به معنای احض کلمه در داوری راه ندارد.
- 220- گزینه 3 صحیح است. رسیدگی به ادعای جعل توسط داور اگر ادعای جعل ساده باشد، مجاز است و داور می تواند برای این منظور اقدام به جلب نظر کارشناس نماید. به استناد م 479 و 476 ق.آ.د.م. منظور از ادعای جعل ساده، ادعای جعل بدون تعیین جاعل است.
- 221- گزینه 2 صحیح است. اعسار از هزینه دادرسی از تاجر در دعاوی تجاری و مدنی پذیرفته نیست.
- به استناد م 512 ق.آ.د.م از تاجر دادخواست اعسار پذیرفته نمی شود. در این خصوص تفاوتی بین دعاوی تجاری و مدنی وجود ندارد. همچنین از کسبه جزء دادخواست اعسار پذیرفته است، چه در دعاوی مدنی و چه در دعاوی تجاری.
- 222- گزینه 3 صحیح است. اعسار از هزینه دادرسی ماهیتماً دعوی است و نیاز به تقدیم دادخواست دارد.
- در تمام مواد مانند م 512 ق.آ.د.م از دادخواست اعسار سخن گفته شده است. اعسار نوعی دعوی می باشد که به طرفیت خواننده دعوی اصلی اقامه می گردد.
- 223- گزینه 3 صحیح است. حکم صادره در خصوص دعوی مدعی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی قابل تجدیدنظرخواهی است.
- به استناد م 507 ق.آ.د.م حکم صادره در خصوص اعسار همیشه حضوری و بنابر این غیرقابل واخواهی است. همچنین اعسار در زمره دعاوی قابل فرجام پیش بینی نشده است. بنابر این فقط می تواند قابل تجدیدنظر باشد چرا که اعسار بنابر رأی وحدت رویه، همیشه دعوایی غیرمالی است.
- 224- گزینه 1 صحیح است. دعوی اعسار از هزینه دادرسی باید به طرفیت خواننده دعوی اصلی اقامه گردد. به استناد م 507 ق.آ.د.م
- 225- گزینه 3 صحیح است. اعسار از پرداخت محکوم به با شهادت 4 شاهد قابل اثبات است.
- به استناد م 23 قانون اعسار. اعسار از پرداخت محکوم به با شهادت 4 شاهد و اعسار از پرداخت هزینه دادرسی با شهادت 2 شاهد قابل اثبات است. (ماده 506 ق.آ.د.م نیز در خصوص اعسار از پرداخت هزینه دادرسی است)
- 226- گزینه 4 صحیح است. اگر در نتیجه اقامه دعوی اعسار از پرداخت محکوم به، حکم به بطلان دعوی صادر گردد طرح مجدد دعوی اعسار از پرداخت محکوم به، ممکن است. یکی از شروط حصول اعتبار امر مختومه وحدت سبب هر دو دعوی است. از آنجاکه در اعسار سبب مدام در حال تجدید شدن است به عبارت دیگر در هر لحظه ممکن است سبب اعسار حادث گردد، وحدت سبب موجود نیست.

- 227- گزینه 2 صحیح است. اگر شخصی برای دفاع از دعوی خود 2 وکیل معرفی نماید و در نهایت به موجب رأی قطعی محکوم له واقع گردد می تواند 1 فقره حق الوکاله وکیل در قالب خسارات دادرسی مطالبه نماید.
- به استناد م 519 ق.آ.د.م از آنجا که یک وکیل برای دفاع لازم است شخص می تواند حق الوکاله یک وکیل را مطالبه نماید زیرا وجود 2 وکیل برای دفاع لازم نیست و ضرورت ندارد. بنابر این حق الوکاله وکیل دوم قابل مطالبه نیست.
- 228- گزینه 3 صحیح است. شخصی دارای دو دستگاه خودرو می باشد که یکی از آنها تاکسی و دیگری خودروی شخصی است. اگر این شخص محکوم علیه واقع شود، جهت وصول محکوم به حکم فقط از محل فروش خودروی شخصی قابل اجراء است.
- از آنجا که تاکسی ابزار کار محسوب می گردد به استناد بند "و" م 524 ق.آ.د.م قابل فروش نیست. اما در خصوص خودروی شخصی باید گفت که این خودرو علیرغم بند "ب" م 524 ق.آ.د.م در شمار مستثنیات دین محسوب نمی گردد چرا که شخص از تاکسی نیز می تواند به عنوان وسیله نقلیه جهت ایاب و ذهاب خود استفاده نماید و نیازی به خودروی شخصی نخواهد داشت.
- 229- گزینه 4 صحیح است. اگر در محل کار مردی، مقداری زیور آلات زنانه یافت شود، جهت اجراء حکمی که علیه این مرد صادر شده است زیور آلات مزبور توقیف می گردد. به استناد مفهوم مخالف م 62 و 63 ق اجرای احکام مدنی.
- 230- گزینه 3 صحیح است. اگر در محل زندگی زوجین، اموالی مانند تلویزیون و دکوراسیون یافت شود، جهت اجراء حکمی که علیه مرد صادر شده است نیمی از اموال مزبور متعلق به مرد قلمداد شده و این اموال نسبت به یک دوم مشاع توقیف می گردد. به استناد م 63 ق. اجرای احکام مدنی.
- 231- گزینه 4 صحیح است. اجراء احکام مدنی صادره از محاکم سایر کشورها منوط است به رفتار متقابل عملی، سیاسی یا قانونگذاری کشور خارجی صادرکننده حکم. به استناد بند 1 م 169 ق اجرای احکام مدنی عبارت عهود دلالت بر رفتار متقابل سیاسی، عبارت قوانین دلالت بر رفتار متقابل قانونگذاری و عبارت معامله متقابل دلالت بر رفتار متقابل عملی دارد.
- 232- گزینه 1 صحیح است. اعتراض ثالث اجرایی بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و بدون پرداخت هزینه دادرسی به عمل می آید. به استناد م 147 ق اجرای احکام مدنی.
- 233- گزینه 4 صحیح است. تصمیم اتخاذ شده از طرف دادگاه در خصوص اعتراض ثالث اجرایی قابل واخواهی و تجدیدنظرخواهی نیست. به استناد م 147 ق اجرای احکام مدنی
- 234- گزینه 4 صحیح است. حکم ابطال سند نیاز به صدور اجرائیه ندارد.
- به استناد م 4 ق اجرای احکام مدنی در مواردی که رأی فقط جنبه اعلامی دارد، اجرائیه جهت اجراء رأی صادر نمی شود.
- 235- گزینه 2 صحیح است. صدور اجرائیه با دادگاه بدوی است. به استناد م 5 قانون اجراء احکام مدنی
- 236- گزینه 4 صحیح است.
- کدام یک از شرایط مطالبه خسارت تأخیر تأدیه نمی باشد؟
- (1) دین بودن موضوع دعوا
(2) وجه رایج بودن موضوع دعوا
(3) تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت
(4) صرف امتناع مدیون از پرداخت دین با وجود مطالبه داین
- گزینه 4 صحیح است زیرا: امتناع مدیون از پرداخت دین با وجود مطالبه داین و «در حالیکه مدیون متمکن بوده» شرط مطالبه خسارت تأخیر تأدیه است. به استناد م 522 ق.آ.د.م
- 237- گزینه 2 صحیح است. اگر دادگاه کیفری در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم اقدام به صدور حکم نماید، جهت اجراء حکم اگر محکوم به، عین معین باشد قواعد مربوطه به مستثنیات دین رعایت نمی گردد در غیر اینصورت باید رعایت شود.
- به استناد م 527 ق.آ.د.م. توجه داشته باشید که حکمی که دادگاه کیفری در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم صادر می نماید، تابع قواعد آیین دادرسی مدنی است و از این رو باید در خصوص آن قواعد مربوط به مستثنیات دین نیز رعایت گردد. همچنین توجه داشته باشید که تبصره م 523 ق.آ.د.م در خصوص ضبط و مصادره اموال است و با فرض مذکور در این سوال (یعنی حکم ضرر و زیان ناشی از حکم) تفاوت دارد.

- 238- گزینه 1 صحیح است. دعوی اعسار دعوایی غیرمالی ذاتی است.
دعوی اعسار به استناد رأی وحدت رویه صادره از دیوان عالی کشور دعوی غیرمالی است. در صورتی به این دعوی غیرمالی اعتباری می‌گفتیم که آثار مستقیم مالی داشته باشد اما در قانون صراحتاً غیرمالی تلقی شده باشد.
- 239- گزینه 1 صحیح است. خسارات ناشی از تفویت منافع اگر منافع ممکن الحصول باشد قابل مطالبه است و الا خیر.
از جمع تبصره 2 م 515 ق.آ.د.م و بند 2 م 9 ق.آ.د.ک این نتیجه حاصل می‌گردد که خسارات ناشی از تفویت منافع ممکن الحصول قابل مطالبه و خسارات ناشی از تفویت منافع محتمل الحصول قابل مطالبه نیست.
- 240- گزینه 2 صحیح است. رأی صادره در خصوص اعسار از پرداخت محکوم به قابل تجدیدنظرخواهی و فرجام خواهی می‌باشد.
به استناد م 26 قانون اعسار و رأی وحدت رویه ش 662-1382/7/29 که آراء صادره در خصوص اعسار از پرداخت محکوم به را قابل استیناف و تمیز دانسته است.